

٧

تَرْجُومَهُ وَتَعْرِيبُ

١٢٣

مَفْهُومٌ

مَتْنُ لُؤْلُؤِي

١٦٣

تَحْلِيلُ صَرَفِيٍّ وَمَحَلُّ إِعْرَابِيٍّ

٢٠٧

ضَبْطُ لُؤْزِي

٢٥٧

٢٨٧

وَاثْكَانُ

قَوَاعِدُ عَرَبِي

٣٦٣

بخش

ترجمه و تعریب

ترجمه و تعریب

در این بخش می‌خوانیم

یکی از ساده‌ترین مباحث، مبحث ترجمه است که تعداد تست‌هاش هم بالاست! یکی از معضلات بچه‌ها به‌فصوص در کتاب‌های نظام‌پرید، نداشتن درسامه برای مبحث ترجمه است که در این کتاب، جامع‌ترین و کامل‌ترین درسامه در قالب ۳۰ گفتار آورده شده و در پایان جمع‌بندی چهار صفحه‌ای از کل آن‌ها را آورده‌یم که کتابموند کامل باشه. در این بخش تلاش کردیم غالب تست‌های کنکور سال‌های گذشته رو در مبحث ترجمه گردآوری و دسته‌بندی مناسب کنیم، مگر باهایی که در کتاب نظام‌پرید اضافه شده بود که از آن‌ها تست تألیف کردیم. یکی از ویژگی‌های منمهر به فرد این کتاب، دسته‌بندی مطالب است که کمک شایانی به شما می‌کنه و می‌تونید پله‌پله و قبلی فوب و عمقی، مباحث را یاد بگیرید و از هیچ مطلبی غافل نشید. در نهایت هم تست‌های ترکیبی آوردیم که وقتی مطالب را تک‌تک خونید و یاد گرفتین و دوره کردین به حل آن‌ها بپردازین!

گفتار ۱ | اضافه یا کم ترجمه کردن ممنوع

به هیچ عنوان نباید در ترجمه، هیچ چیزی را زیاد یا کم ترجمه کنیم و مواظب باشیم هیچ کلمه‌ای بدون ترجمه باقی نماند یا هیچ کلمه‌ای را اضافه ترجمه نکنیم.

السلام علی عباد الله الصالحین!

سلام بر بندگان صالح خدا ✓	سلام بر بندگان صالح ✗
تمامی کلمات ترجمه شده و درست است.	ترجمه نشده و معنی نادرست است.

بیابین بریم داخل تست تا بهتر متوجه بشین!!! اونجا کامل روشن می‌شین!!! ولی همین نکته ساده قبلی کل‌گشاست!

تستولوژی؟

- «مَنْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ الْأَنْبِيَاءِ الْحَقِّ قَلِيلُونَ؛ أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ وَ الْمُرْتَدُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ!»:

- آن‌ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند، کم می‌باشند؛ و آنان رستگارانند که به طریق حق راهنمایی شده‌اند!
- کسانی که سخن حق انبیا را می‌شنوند، اندک هستند؛ آن‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!

۳) آن‌ها که حقیقتاً کلام انبیا را بشنوند، اندک هستند؛ این **انسان‌ها همان رستگاران و هدایت‌شدگان** به مسیر حق و خدا هستند!

۴) کسانی که سخن حق را از انبیا بشنوند کم‌اند؛ ولی این **انسان‌ها** همان رستگاران هستند که به راه حق هدایت شده‌اند!

پاسخ ۲ | «الفائزون» به معنی «رستگاران» می‌باشد که در

گزینه «۱» به صورت «رستگاران» آمده است و نادرست می‌باشد،

«الْمُرْتَدُونَ» معنی «هدایت‌شدگان» می‌دهد، اما در گزینه‌های

«۱» و «۴» درست ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«خدا» که در گزینه «۳» آمده، اضافه است، چون در عبارت عربی

«الله» وجود ندارد. گفتیم که نباید چیزی اضافه ترجمه شود، پس

این گزینه هم غلط است. [رد گزینه «۳»]

«انسان‌ها» که در گزینه‌های «۳» و «۴» آمده، اضافه است و در

عبارت عربی «الإنسان» وجود ندارد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

گفتار ۲ ترجمه ((مصدر)) به صورت ((فعل)) و بالعکس ممنوع

گفتار ۲

در بحث ترجمه به هیچ عنوان نباید «فعل» را به صورت «اسم» یا «مصدر» و یا «مصدر» را به صورت «فعل» ترجمه کنیم؛ یارتونه که مسررها کلماتی مثل «رفتن، برن، نوشتن، ساختن...» بوزن!

دَهَبٌ: رفت - رفتن	دَهَبَ: فعل است و نباید مصدری ترجمه شود.
يُدْهَبُ: می رود - رفتن	يُدْهَبُ: فعل است و نباید مصدری ترجمه شود.
دَهَابٌ: رفت - می رود - رفتن	دَهَابٌ: مصدر است و نباید به صورت فعل ترجمه شود.

این مطلب شامل باب‌های ثلاثی مزید هم می‌شود؛ یعنی باید مصدر باب‌ها را کامل بلد باشید و بتوانید آن‌ها را از فعل تشخیص دهید. برای اینکه اشتباه نکنید، مصادر باب‌های مختلف را با چند مثال برای شما می‌آوریم و بعد با هم تست حل می‌کنیم.

باب «مصدر»	مثال	معنی
إِفْعَالٌ	إِيْمَانٌ	ایمان داشتن
مُفَاعَلَةٌ	مُكَاشَفَةٌ	مکاشفه کردن
تَفْعِيلٌ	تَكْذِيبٌ	تکذیب کردن
تَفْعُلٌ	تَقَدُّمٌ	پیشرفت کردن
إِسْتِفْعَالٌ	إِسْتِشْهَادٌ	شهادت دادن
إِفْتِعَالٌ	إِنْتِشَارٌ	منتشر کردن
إِنْفِعَالٌ	إِنْقِلَابٌ	دگرگون شدن
تَفَاعُلٌ	تَطَاهُرٌ	تظاهر کردن

تست‌ولوژی

- «الیوم حاولت أن أعطی ذلك العامل هدیةً تقلل من تعب عمله!»:

(تمرین ۹۲)

۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر، از سختی کارش بکاهم!

۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!

۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه، از سختی کار آن کارگر، بکاهم!

۴) با تلاش امروز در دادن هدیه به آن کارگر، سختی عمل او کم شد!

پاسخ ۲ «أعطی» فعل است و به هیچ عنوان نباید به صورت «مصدر» ترجمه شود، پس «دادن هدیه‌ای / دادن هدیه» غلط است؛ چون «مصدر» است. [رد سایر گزینه‌ها]

تقلل ← کم کند (این فعل به «هدیه» مربوط می‌شود و در صیغه «للتغایب» ترجمه می‌شود). [رد سایر گزینه‌ها]

«حاولت» فعل است و باید به صورت فعل «تلاش کردم / سعی نمودم»

ترجمه شود، نه به صورت مصدر و اسم. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

اشتباهات متداول

ترکیب «أن + مضارع» می‌تواند به صورت «مضارع التزامی» یا «مصدر» ترجمه شود، «مصدر» نیز می‌تواند به صورت «مضارع التزامی» ترجمه شود.

علینا أن نذهب إلى المدرسة!	مضارع التزامی: باید به مدرسه برویم.
مصدر: رفتن به مدرسه بر ماست.	
علینا الذهاب إلى المدرسة!	مضارع التزامی: باید به مدرسه برویم.
مصدر: رفتن به مدرسه بر ماست.	

گفتار ۳ ترجمه ضمیر

گفتار ۳

همان‌طور که می‌دانید ضمایر انواع مختلفی دارند، الآن با هم یک دوره روی انواع ضمیرها انجام می‌دهیم:

۱) ضمایر منفصل مرفوعی: هو / هما / هم...

۲) ضمایر متصل مرفوعی: ذهبوا / ذهبین...

۳) ضمایر منفصل منصوبی: إیاه / إیاهما...

۴) ضمایر متصل منصوبی / مجروری: ه / هما / هم...

حالا که انواع ضمیر را با هم دوره کردیم، نوعی از ضمیر که کاربرد بیشتری در ترجمه دارد «ضمایر متصل منصوبی / مجروری» است، این ضمایر می‌توانند به فعل یا اسم یا حرف بچسبند و در ترجمه خیلی اثرگذار هستند؛ پس بیابین به صورت کامل تر روش بحث کنیم و ببینیم در ترکیب با فعل، اسم و حرف چه‌طوری ترجمه می‌شود!

ضمیر	ترجمه ضمیر	ت ترکیب با فعل	ت ترکیب با اسم	ت ترکیب با حرف
ه	ش	می زند او را	قلم او	لَه
هما	شان	می زند آن دو / آن‌ها را	قلم آن دو / آنها	لَهُمَا
هم	شان	می زند آنها را	قلم آنها	لَهُمْ
ها	ش	می زند او را	قلم او	لَهَا

ضمیر	ترجمه ضمیر	ترکیب با فعل	ترکیب با اسم	ترکیب با حرف
هما	شان	می زند آن دو / آن ها را	قلمهما / قلم آن دو	برایشان / برای آن دو
هنَّ	شان	می زند آن ها را	قلمهنَّ / قلم آنها	برایشان / برای آنها
كَ	ت	می زند تو را	قلمكَ / قلم تو	برایت / برای تو
کما	تان	می زند شما را	قلمکما / قلم شما	برایتان / برای شما
کم	تان	می زند شما را	قلمکم / قلم شما	برایتان / برای شما
کِ	ت	می زند تو را	قلمکِ / قلم تو	برایت / برای تو
کما	تان	می زند شما را	قلمکما / قلم شما	برایتان / برای شما
کَنَّ	تان	می زند شما را	قلمکَنَّ / قلم شما	برایتان / برای شما
ی	م	می زند من را	قلمی / قلم من	برایم / برای من
نا	مان	می زند ما را	قلمنا / قلم ما	برایمان / برای ما

تستولوژی

- «يجب على الإنسان أن يحاول للاستفادة من النعم الإلهية في حرکته نحو الكمال!»:

(۱) انسان باید در استفاده از نعمت الهی برای حرکت به سوی کمال بسیار سعی کند!

(۲) بشر باید برای بهره‌وری از نعمت‌های خداوندش در حرکت به سوی کمال سعی کند!

(۳) بر انسان است که برای استفاده از نعمت‌های الهی در حرکتش به سوی کمال تلاش کند!

(۴) بر انسان است که برای حصول فایده از نعمت‌های خدا در رفتن به سوی کامل شدن تلاش کند!

پاسخ ۳ ضمیر متصل «ه» در «حرکت» باید ترجمه شود که به صورت «حرکت او / حرکتش / حرکت خود / حرکت خویش» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«النعم الإلهية: نعمت‌های الهی» [رد سایر گزینه‌ها]

نکته

دقت داشته باشید که در ترجمه «ضمیرهای متصل به اسم» گاهی از لفظ «خود» یا «خویش» استفاده می‌شود؛ مثلاً:
لا يضيّع المؤمن عمره في الكسالة. مؤمن، عمرش را در تنبلی تباه نمی‌کند.
مؤمن، عمر خود (خویش) را در تنبلی تباه نمی‌کند.

ترجمه مفرد و جمع

گفتار ۴

یک مبحث مهم در ترجمه این است که اسم‌های «مفرد» باید به صورت «مفرد» و اسم‌های «جمع» به صورت «جمع» ترجمه شوند. ممکنه بفندین و بگین این ریگه په نکته‌ای هستش، ولی بدترین و آگاه باشین که این یکی از پرکاربردترین موارد در ترجمه هست.

نشانه‌ها	مثال	جمع
-	إِنَّ مَوَاهِبَ الدُّنْيَا دُنْيَا	مفرد
ان - بین	رَأَيْتُ فَلَاحِينَ: دو کشاورز - کشاورزان	مثنی
ون - یَن	مُعَلِّمُونَ: معلم‌ها - معلمان	جمع مذکر سالم
ات	مُعَلِّمَاتُ: معلم‌ها - معلمات	جمع مؤنث سالم
-	فُقَرَاءُ: فقیرها - فقیران	جمع مکسر

نکته

در ترجمه انواع جمع از «ها / ان» استفاده می‌شود.

اشتباهات متداول

اسامی «مثنی» می‌توانند به صورت «جمع» هم ترجمه شوند. دقت کنید که می‌توانند به صورت «جمع» ترجمه شوند، نه اینکه «الزاماً»؛ یعنی اگر اسامی «مثنی» به صورت جمع هم ترجمه شود، درست است. فلاحان ← مثنی: دو کشاورز / جمع: کشاورزان - کشاورزها

اشتباهات متداول

گاهی اوقات اسامی «مثنی» یا «جمع مذکر سالم» به «اسم» یا «ضمیر» اضافه می‌شوند که در این صورت «ن» آخر آنها حذف می‌شود؛ پس اگر دیدید، حواستان باشد که اگر «مثنی» است، «مثنی» و اگر «جمع» است، «جمع» ترجمه می‌شود. رأیث صدیقین + ه ← رأیث صدیقیه ← دو دوستش / دوستانش

چهار اسم‌هایی همیشه مفرد ترجمه می‌شوند؟

۱ اگر خبر از نوع «اسم» باشد، غالباً به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود:

مثال الطَّلَابُ مجذون... دانش‌آموزان، تلاشگر هستند.

مفرد خبر

توضیح مثال: با اینکه «مجذون» جمع مذکر سالم است، ولی چون «خبر» است، به صورت مفرد ترجمه شده است.

۲ «صفت» در عربی حتی اگر «مثنی» یا «جمع» هم باشد، همواره به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود:

مثال الطَّلَابُ المجدون... دانش‌آموزان تلاشگر

مفرد صفت جمع

توضیح مثال: «المجدون» جمع مذکر سالم است، ولی چون «صفت» می‌باشد، پس به صورت مفرد ترجمه شده است.

مثال التلميذات الصالحات: دانش‌آموزان شایسته

مفرد صفت جمع

توضیح مثال: «الصالحات» جمع مؤنث سالم است، ولی چون «صفت» می‌باشد، به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

۳ «حال» در عربی حتی اگر ذوالحال نیز «مثنی» یا «جمع» باشد، به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود:

مثال رأيت التلميذين ضاحكين: دانش‌آموزان را خندان دیدم.

مفرد حال مثنی

توضیح مثال: با اینکه «ضاحكين» مثنی است، ولی چون «حال» است، به صورت مفرد ترجمه شده است.

۴ معدود اعداد «۱۰-۳»: معدود اعداد «۱۰-۳» با اینکه جمع هستند، ولی به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

مثال ﴿ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقاً﴾: هفت آسمان

مفرد معدود عدد (۱۰-۳)

توضیح مثال: «سماوات» جمع مؤنث است، ولی چون معدود عدد «سبع» می‌باشد، پس به صورت مفرد ترجمه شده است.

۵ اسم اشاره پیش از اسم «ال»: هرگاه پس از اسم اشاره، اسمی دارای «ال» بیاید، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود، اگر چه مثنی یا جمع باشد.

مثال هؤلاء الطلاب: این دانش‌آموزان

مفرد جمع

توضیح مثال: «هؤلاء» اسم اشاره جمع است، اما پس از آن اسم «ال» دار آمده است؛ بنابراین اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

تست‌ولوژی

- ﴿إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ صَارُوا مَفَاتِيحَ لِأَبْوَابِ الْهَدَايَةِ وَأَقْفَالاً لِأَبْوَابِ الْهَلَاكَةِ﴾: (ریاضی ۹۸ با تغییر)

- درهای هدایت و قفل برای درهای هلاکت در میان بندگان خداست!
- عده‌ای از بندگان خوب خدا برای درهای هدایت کلید هستند و برای هر هلاکت قفل!
- در میان بندگان خدا کسانی هستند که کلید هر هدایت هستند و حال این که قفل بوده‌اند برای هر تباهی!
- از میان بندگان خدا کسانی هستند که کلیدهایی برای درهای هدایت گردیدند و قفل‌هایی برای درهای هلاکت!

پاسخ ۴ «مفاتیح»: «جمع» است و به صورت «کلیدها» ترجمه می‌شود؛ پس «کلید» غلط است، چون «مفرد» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]
«أقفال» جمع است و به صورت «قفل‌هایی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
«أبواب» جمع است و به صورت «درهای» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
«من عبادالله: از بندگان خدا» [رد سایر گزینه‌ها]

ترجمه معرفه و نکره

گفتار



اسم نکره

اسمی است که آن را نمی‌شناسیم و شناختی نسبت به آن نداریم و برای ما ناشناخته و مجهول است، به جز دو گروه اسم که آن‌ها را می‌شناسیم و عبارتند از: ۱ اسامی علم

در ترجمه اسم‌های نکره، از «ی» یا «یک» استفاده می‌شود، ولی در ترجمه اسم‌های معرفه از «ی» یا «یک» استفاده نمی‌شود.

معرفه	نکره
جاء المُدَرِّسُ: معلم آمد	جاء مُدَرِّسٌ / یک معلم آمد
وَجَدْتُ القلمَ: قلم را یافتم	وَجَدْتُ قَلَمًا / یک قلم را یافتم

اشتباهات متداول

دقت کنید بعضی وقت‌ها «ی» آخر کلمه در ترجمه، مربوط به خود کلمه است و نشانه نکره بودن نیست.
- الولد الضالح رزقٌ: فرزند صالح روزی / روزی ای / روزی است.

اشتباهات متداول

اگر آخر کلمه «ه» و «ی» داشت و خواستید «ی» نکره اضافه کنید؛ نمی‌توانید و باید «ای» اضافه کنید.
- إِنَّهُ معطٌ...: او بخشنده ای...
- قلب المؤمن كحمامة! قلب مؤمن مانند کبوتری است!

تست‌ولوژی

- ﴿إِنَّ مَوَاهِبَ الدُّنْيَا وَنِعْمَهَا تَعْدُ فِي نَظَرَةِ الْقُرْآنِ رِزْقًا لِلْإِنْسَانِ وَوَسِيلَةً لِنَتِكَامِهِ﴾: (ریاضی ۸۹)

- آن چه رزق انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شود، در نظر قرآن همان الطاف و نعم خدا در دنیا است!
- از منظر قرآن، موهبت‌ها و نعمت‌های دنیا، رزق برای انسان و وسیله‌ای برای تکامل او شمرده می‌شوند!
- از دیدگاه قرآن آن چه روزی و وسیله کمال انسان است، همان مواهب و نعم الهی دنیا است!
- بخشش‌ها و نعمت‌های دنیا از دیدگاه قرآن، روزی انسان و یا وسیله رشد او شمرده می‌شوند!

پاسخ ۲ «رزقاً» نکره است، پس باید به صورت «رزقی / یک رزق» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]؛ دقت کنید «ی» در «روزی» نشانه نکره بودن نیست و مربوط به خود کلمه است و اگر می‌خواست به صورت نکره باشد، باید به صورت «روزی ای / یک روزی» می‌آمد.
«وسيلة» هم نکره است و به صورت «وسيلة ای / یک وسیله» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

خبر مفرد نکره؛ تافته جدا بافته

اگر خبر مفرد، اسمی «نکره» باشد؛ می‌توانیم آن را به صورت «معرفه» ترجمه کنیم. دقت کنید گفتیم می‌توانیم نه اینکه حتماً باید به صورت «معرفه» ترجمه شود و به هر دو صورت «معرفه» و «نکره» ترجمه می‌شود. ولی اگر خبر نکره، دارای صفت باشد، به صورت «نکره» ترجمه می‌شود.

بعدهش صفت نباشد - معرفه / نکره

خبر مفرد نکره

بعدهش صفت باشد - نکره

العلم کنز!	العلم کنز!
علم گنج است. علم گنجی است.	علم گنجی است. علم گنجی است.
معرفه	نکره
چون خبر صفت ندارد، می‌تواند به صورت «معرفه / نکره» ترجمه شود و به هر دو صورت درست است.	چون خبر نکره دارای صفت است، باید به صورت «نکره» ترجمه شود.

ترجمه ترکیبات وصفی نکره

می‌دانید که ترکیب وصفی نکره از دو یا چند کلمه که همه آن‌ها «نکره» هستند تشکیل شده ولی در ترجمه نیازی نیست به همه آن کلمات «ی / یک» اضافه کنیم بلکه باید به یکی از دو صورت زیر ترجمه کنیم:

۱) اضافه کردن «یک» قبل از ترکیب وصفی:

• عمل قبیح: یک عمل زشت

۲) اضافه کردن «ی» به آخر «موصوف» یا «صفت»:

دقت کنید که فقط باید به آخر یکی از آن‌ها اضافه کنید، یعنی یا به انتهای «صفت» یا «موصوف»؛ و نباید به انتهای هر دوی آنها اضافه کنید.

• عمل قبیح:

فقط به آخر موصوف: عملی زشت / فقط به آخر صفت: عمل زشتی

تست‌ولوژی

- هؤلاء شاعرات و لهن أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عمیق!:

(هنر ۹۰ یا تفصیل)

- این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!
- این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساسی عمیق!
- اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!
- اینها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساسات عمیق است!

پاسخ ۳ «عاطفه نافذة» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «یک عاطفه نافذ / عاطفه‌ای نافذ» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«شعور عمیق» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «یک احساس عمیق / احساسی عمیق» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«أشعار» نکره است و به صورت «اشعاری» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۴»] «شاعران»؛ خبر مفرد است و خبر «مفرد» در صورتی که مثنی یا جمع باشد، معمولاً به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود؛ یعنی «شاعران» به صورت «شاعر» ترجمه می‌شود. در قسمت قبل توضیح داده شد که خبر مفرد اگر «نکره» باشد، می‌تواند به صورت «معرفه» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

اشتباهات متداول

دقت کنید یکی از سوژه‌های کنکور اینه که بچه‌ها «ی» میانجی و نکره را با هم اشتباه می‌گیرن که با چند تا مثال بهتون توضیح میدم:

نماذج سامية: نمونه‌های برتری / نمونه‌هایی برتر

برای بچه‌ها سؤال پیش می‌آید که آقا!!! شما گفتین برای ترجمه ترکیبات وصفی نکره، کافیه اولش «یک» بیارین یا «ی» نکره رو به یکی از اسم‌های نکره اضافه کنین؛ خُب پس چرا خودتون الآن دو تا «ی» آوردین؛ یعنی «نمونه‌های برتری / نمونه‌هایی برتر»؟؟ چون هیچ فارس زبانی نمی‌تونه «نمونه‌ها برتری / نمونه‌ها برتر» را بخونه مجبوریم یک «ی» اضافه کنیم تا قابل خواندن بشه؛ که به این «ی» می‌گن «میانجی»؛ یعنی «نمونه‌های برتر» میشه ترکیب اصلی ما که قابل خواندن، حالا برای نکره میتونین «ی» را به یکی از دو اسم «موصوف / صفت» اضافه کنین که میشه «نمونه‌های برتری / نمونه‌هایی برتر».

معط کریم: بزرگوار بخشنده‌ای / بزرگواری بخشنده / یک بزرگوار بخشنده
خب نکته این رو هم قبلاً بهتون گفتم، چون آخر کلمه «ه» داره و نمی‌تونیم به آن «ی» تنها اضافه کنیم چون قابل خوندن نیست مجبوریم دو تا «ی» اضافه کنیم یعنی «ای».

تست‌ولوژی

- «إن الله خالق کریم یُعطي للإنسان نعماً كاملة!»

- خدا خالق کریمی است که به انسان نعمت‌های کامل می‌بخشد!
- خدا خالق کریمی است که به انسان نعمت‌هایی کامل می‌بخشد!
- خدا خالق کریمی است که به انسان نعمت‌هایی کامل می‌بخشد!
- خدا خالق کریم است که به انسان نعمتی کامل می‌بخشد!

پاسخ ۲ ترکیب «خالق کریم» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «یک خالق کریم / خالق کریمی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۳»]، دقت کنید در ترجمه ترکیبات وصفی نکره، نباید «ی» به انتهای همه کلمات اضافه شود، پس «خالق کریمی» نادرست است. «نعماً کامله» به صورت «نعمت‌ها کامل» است ولی قابل خواندن نیست، پس «ی میانجی» اضافه می‌کنیم و به صورت «نعمت‌های کامل» درمی‌آید و حالا تازه «ی» نکره اضافه می‌کنیم، یعنی به صورت «نعمت‌هایی کامل / نعمت‌های کاملی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

نکته

معمولاً هرگاه اسمی به صورت «نکره» در جمله بیاید و همان اسم دوباره با «ال» تکرار شود، اسم دوم را می‌توان با اسم اشاره ترجمه کرد؛ دقت کنید که می‌توان ترجمه کرد نه این که حتماً باید به آن صورت ترجمه شود.

تست‌ولوژی

- «أرسلنا إلى فرعون رسولاً فعسى فرعون الرسول»:

- به سوی فرعون رسولی رافرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.
 - رسول را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از آن رسول تبعیت نکرد.
 - برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر، عصیان کرد.
 - پیامبری را به سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر فرعون عصیان کرد.
- پاسخ ۱** «رسولاً» بار اول به صورت نکره آمده و معنی «پیامبری / رسولی» می‌دهد و بار دوم به صورت معرفه آمده و به صورت «آن رسول / آن پیامبر» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۳»]. «الی» معنی «به / به سوی» می‌دهد، نه «برای» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»] فرعون بر پیامبر عصیان می‌کند نه پیامبر بر فرعون. [رد گزینه «۴»].

مهم‌ترین چیزی که در بخش ترجمه اعداد، دانستن آن لازم است، شناخت کامل عددها و تشخیص اصلی یا ترتیبی بودن آنهاست. به جدول زیر که در اون کلمه براتون عررها را آوریم دقت کنید:

الأعداد الأصلية (واحد إلى عشرين)		الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)				الأعداد	
واحد	واحد	الأول	الواحد	الواحد	الواحد	الواحد	الواحد
إثنان	إثنان	الثاني	الثاني	الثاني	الثاني	الثاني	الثاني
ثلاثة	ثلاثة	الثالث	الثالث	الثالث	الثالث	الثالث	الثالث
أربعة	أربعة	الرابع	الرابع	الرابع	الرابع	الرابع	الرابع
خمس	خمس	الخامس	الخامس	الخامس	الخامس	الخامس	الخامس
ستة	ستة	السادس	السادس	السادس	السادس	السادس	السادس
سبعة	سبعة	السابع	السابع	السابع	السابع	السابع	السابع
ثمانية	ثمانية	الثامن	الثامن	الثامن	الثامن	الثامن	الثامن
تسعة	تسعة	التاسع	التاسع	التاسع	التاسع	التاسع	التاسع
عشرة	عشرة	العاشر	العاشر	العاشر	العاشر	العاشر	العاشر

نکته

اعداد دو رقمی کمتر از «۲۰» را بهتر است حفظ باشید، ولی اعداد دو رقمی بالاتر از «۲۰» را برعکس فارسی یعنی «اول یکان و سپس دهگان» بسازید و در ترجمه استفاده کنید؛ البته در مورد سافتن عررها در مبدا عرر و معرر، در بخش قواعد کامل صحبت می‌کنیم.

بیست و چهار: ۲۴ : أربعة و عشرون
اول یکان سپس دهگان

هفتاد و نه: ۷۹ : تسع و سبعون
اول یکان سپس دهگان

اشتباهات متداول

تفاوت «بیست» و «بیستم» در نداشتن و داشتن «ال» است:
عشرون ← بیست (عدد اصلی)
العشرون ← بیستم (عدد ترتیبی)

اشتباهات متداول

بچه‌ها معمولاً اعداد ۶ و ۷ و ۹ را چه در اعداد اصلی چه ترتیبی، با هم اشتباه می‌گیرند، پس الان یک بار دیگر برای شما می‌آورم:

اصلي	۶	۷	۹
تسعة	سبعة	تسعة	تسعة
شش	سبعة	سبعة	سبعة
الثامن	الثامن	الثامن	الثامن
التاسع	التاسع	التاسع	التاسع

تست‌لوزی

«در روستای ما دو مدرسه است و هر مدرسه دوازده کلاس دارد، و در حیاط آن‌ها نه درخت کاشته شده است!» (فارج ۹۳ با تفسیر)
 (۱) في قريتنا مدرستان و لكل مدرسة اثنا عشر صفًا و قد عُرست في ساحتها تسع شجرات!
 (۲) كانت مدرستان في قريتنا و في كل مدرسة أحد عشر صفًا و عُرست في الساحة تسع شجرات!
 (۳) هناك مدرستان في قريتنا و لكل المدرستين أحد عشر صفًا و عُرست في كل ساحة تسع شجرات!
 (۴) قد بُنيت مدرستان في قريتنا و في كل مدرسة اثنا عشر صفًا و عُرست في الساحة لهما تسع أشجار!

پاسخ ۱ «دوازده» در عربی به صورت «إثنا عشر» ترجمه می‌شود، پس گزینه‌های «۲» و «۳» که «أحد عشر» آمده است، نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «نه» در عربی به صورت «تسعة» تعریب می‌شود، پس گزینه‌های «۳» و «۴» که «سبع» آمده است، نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

تست‌لوزی

«إن هذا أخي له تسع و سبعون نعجة و لي نعجة واحدة!»:

- همانا این برادر من است که نود و هفت میش دارد و من فقط یک میش دارم!
- این برادر من است، او هفتاد و نه گوسفند دارد و من یک گوسفند دارم!
- همانا این برادر من است که هفتاد و نه میش داشت و من یک میش داشتم!
- این برادر من نود و هفت گوسفند داشت و من فقط یک گوسفند داشتم!

پاسخ ۲ «تسع و سبعون» به معنی «۷۹: هفتاد و نه» است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 می‌دانیم که ترکیب «ل + ضمیر» یا «عند + ضمیر» معنای «دارد» می‌دهد نه «داشت». [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

کاربرد اعداد اصلی و ترتیبی در ترجمه

هر جا عدد به کار برده شده باشد و ترتیب در آن نباشد، عدد «اصلی» است؛ مثلاً «چهار کتاب - سه معلم - صد سگ - نود و نه کلاس»؛ ولی هر جا «ترتیبی» در کار باشد، «ترتیبی» است؛ مثلاً: «چهارمین بار - نفر سوم - پنجمین صفحه و ...» این نکته در ترجمه کاربرد بسیاری دارد، بدین صورت که اگر در صورت سؤال عدد اصلی داشتید، در گزینه‌ها هم باید به صورت اصلی ترجمه شود و اگر در صورت سؤال عدد ترتیبی داشتید، باید به صورت ترتیبی ترجمه شود و اگر نادرست بودند آن‌ها را رد کنید.

تست‌ولوژی

- «ما تا به حال فقط چهار درس از کتاب تاریخمان را خوانده‌ایم!»

(تجربی ۸۵ با تغییر)

- ۱) قرأنا حتى الآن من كتابنا التاريخ رابعة دروس!
 - ۲) نحن ما قرأنا حتى الآن من كتاب تاريخنا إلا أربعة دروس!
 - ۳) إنما قرأنا من كتب تاريخنا حتى الآن ثلاثة دروس!
 - ۴) نحن لم نقرأ من كتابنا التاريخ إلا رابعة دروس حتى الآن!
- پاسخ ۲ «چهار»** عدد اصلی است، پس «أربعة» درست می‌باشد، ولی «رابع / رابعة» ترتیبی بوده و غلط است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴» و «ثلاثة» هم به معنی «سه» است، پس غلط می‌باشد. [رد گزینه «۳»]

تست‌ولوژی

- «در صفحه ششم از درس نهم، پنج کلمه آمده است که هیچ مفهومی ندارند!»:

(تجربی ۸۹ با تغییر)

- ۱) جاء في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات لا مفهوم لها!
 - ۲) أتى في سادسة صفحة من الدرس التاسع خمسة كلمات لا مفهوم لها!
 - ۳) جاء في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات لا مفهوم لها!
 - ۴) أتى في ست صفحات من تسعة دروس كلمات خمسة لا مفهوم لها!
- پاسخ ۱ «ششم»** ترتیبی است، پس «السادسة / سادسة» درست می‌باشد، ولی «ست» اصلی است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
- «نهم» ترتیبی است، پس «التاسع» درست می‌باشد، ولی «تسعة» اصلی است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
- «پنج» عدد اصلی است و «خمس» درست می‌باشد، ولی «خامسة» ترتیبی است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

ترجمه اسم اشاره

گفتار ۷

اسم‌های اشاره حتماً باید ترجمه شوند؛ یعنی اگر در گزینه‌ای ترجمه نشده بودند، غلط محسوب می‌شود، حال لازم است که ترجمه اسم‌های اشاره را بدانید:

هَذَا - هَذِهِ ← اشاره به نزدیک ← این

ذَلِكَ - تِلْكَ ← اشاره به دور ← آن

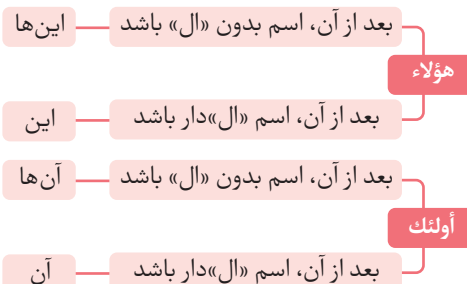
اشتباهات متداول

«هَذَا / هَذِهِ / ذَلِكَ / تِلْكَ» در هر صورت «مفرد» هستند، پس هیچ فرقی ندارد که اسم بعدشان «ال» داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت «مفرد» ترجمه می‌شوند:

هذه الأشجار غرسها الفلاح: این درختان را...

هذه أشجار غرسها الفلاح: این، درختانی است...

برای ترجمه «هؤلاء / أولئك» باید به اسم بعد از آنها دقت کنید؛ چرا که اگر اسم بعد از آنها بدون «ال» باشد به صورت «جمع» و اگر اسم بعد از آنها دارای «ال» باشد، به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.



مثال هؤلاء الشعراء

توضیح مثال: بعد از اسم اشاره، «الشعراء» آمده که «ال» دار است، پس اسم اشاره به صورت مفرد «این» ترجمه می‌شود.

مثال أولئك معلّمون

توضیح مثال: بعد از اسم اشاره، «معلّمون» آمده که بدون «ال» است؛ بنابراین اسم اشاره به صورت جمع «آن‌ها» ترجمه می‌شود.

تست‌ولوژی

- «هؤلاء شاعرات و لهنّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عميق!»: (هنر ۹۰)

- ۱) این‌ها شعری هستند که اشعارشان، دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!
 - ۲) اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!
 - ۳) این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساس عمیق!
 - ۴) این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!
- پاسخ ۲ «هؤلاء»** آمده، ولی چون اسم بعد از آن «ال» ندارد، پس به صورت «جمع» یعنی «این‌ها / اینان» درست است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»] «شاعرات» خبر جمع مؤنث سالم است و به صورت «مفرد: شاعر» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

تستولوژی

عین الخطأ:

- الظلم على الضعيف أقبح الظلم و هذا العمل مذموم! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
- الزاهدون يجتنبون الخطيئات و هؤلاء محبوبون عند الله! پارسایان از خطاها دوری می‌کنند و این‌ها پیش خدا محبوبند!
- الناس يُذنبون و قليلٌ من هؤلاء المذنبين يتوبون! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
- يعبد العابدون الله في الليل المظلم و هذا الليل كسترٍ لهم! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب، مانند پوششی برای آن‌هاست!

پاسخ ۳ بعد از «هؤلاء» اسم «ال» دار «المذنبين» آمده است و باید به صورت مفرد، یعنی «این» ترجمه شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- و «هذا» مفرد است و هیچ ربطی ندارد که اسم بعدش دارای «ال» یا بدون «ال» باشد و در هر صورت به گونه «این» ترجمه می‌شود.
- بعد از «هؤلاء» اسم بدون «ال»، «محبوبون» آمده و به صورت جمع «این‌ها» ترجمه می‌شود.

ترجمه انواع «كُلُّ»

گفتار ۸

تستولوژی

- «إِنَّ الْمَعْلَمَاتِ كُلَّهُنَّ يُحِبُّنَ أَنْ يَنْجَحَ كُلَّ التَّلْمِيذَاتِ فِي جَمِيعِ الدَّرُوسِ!»:

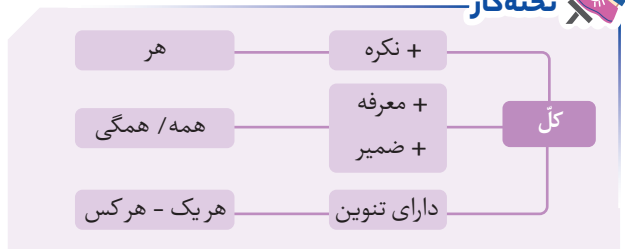
- همه معلم‌های ما دوست دارند که هر یک از محصلان، در همه درس‌ها قبول شوند!
- ...آموزگاران علاقه‌مند هستند که دانش‌آموزان همگی در دروس نمره قبولی بگیرند!
- معلمان همگی دوست دارند که همه دانش‌آموزان در تمام دروس موفق شوند!
- علاقه آموزگاران این است که هر شاگردی در درس‌های خود توفیق یابد!

پاسخ ۳ ترکیب «كُلُّ + ضمير» به صورت «همه» ترجمه می‌شود؛ یعنی در ترجمه «كُلَّهُنَّ» باید به صورت «همه، همگی» ترجمه شود، ولی در گزینه‌های (۲) و (۴) ترجمه نشده است [ردگزینه‌های (۲) و (۴)]
 ترکیب «كُلُّ + معرفه» به صورت «همه» ترجمه می‌شود؛ یعنی در ترجمه «كُلَّ التَّلْمِيذَاتِ» باید «همه» بیاید. [ردگزینه‌های (۱) و (۴)]

«كُلُّ» به صورت‌های مختلفی ترجمه می‌شود و بستگی دارد که پس از آن چه اسمی بیاید؛ در این‌جا با هم حالت‌های مختلف ترجمه «كُلُّ» بسته به این‌که بعرض چه اسمی بیاید بررسی می‌کنیم؛ اگر بعد از «كُلُّ»، اسم «نکره» بیاید به صورت «هر» ترجمه می‌شود.

- كُلُّ طَالِبٍ: هر دانش‌آموزی
- اگر بعد از «كُلُّ»، اسم «معرفه» باشد، به صورت «همه» ترجمه می‌شود.
- كُلُّ الطَّلَابِ: همه دانش‌آموزان
- اگر «كُلُّ» دارای «تنوین» باشد، به صورت «هریک / هرکس» ترجمه می‌شود.
- كُلُّ مِنَ الطَّلَابِ: هر یک از دانش‌آموزان.
- اگر «كُلُّ» با «ضمير» باشد، معنی «همه» می‌دهد.
- كُلَّهُنَّ يُحِبُّنَ: همگی آنها دوست دارند.

تخته‌گاز



ترجمه ترکیبات وصفی / اضافی / وصفی اضافی

گفتار ۹

ترکیب وصفی

هنگام ترجمه موصوف و صفت اولاً که هر دو باید ترجمه شوند، ثانیاً چسبیده به هم و بدون فاصله ترجمه می‌شوند.

- العمل الصالح • رجل مؤمن • القطرات الصغيرة • عمل صالح • مردی مؤمن • قطرات کوچک

نکته

در زبان فارسی، صفت همواره «مفرد» ترجمه می‌شود و فرقی نمی‌کند که در عربی به صورت «مفرد، مثنی یا جمع» آمده باشد؛ در هر صورت صفت در فارسی به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

بخش

مفهوم

مفهوم

در این بخش می‌خوانیم

به سؤال از سؤالات کنکورتون از مفهوم طراحی میشه! این مبحث در واقع فهم عبارت عربی و مرتبط کردن آن با سایر عبارات عربی و بیته‌ها و ضرب‌المثل‌هاست! برای پاسخ دادن به این سؤال، تمام عبارت‌های مهم کتاب‌های درسی در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم را به همراه ترجمه و مفهوم هر کدام براتون آوردیم.

دهم درس اول

عبارت: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

ترجمه: و برای من در میان آیندگان، یاد نیکویی قرار بده.

مفهوم: بر جای ماندن نام نیک از آدمی پس از مرگش!

عبارت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید، چرا می‌گویید آن چه را که انجام نمی‌دهید؟

مفهوم: یکسان نبودن حرف و عمل! / اهمیت عمل به گفته‌ها!

عبارت: «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكِ مَنْ فِي السَّمَاءِ!»

ترجمه: به کسی که در زمین است رحم کن، تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

مفهوم: رحم کن تا رحم ببینی!

عبارت: «أَنْظُرْ إِلَىٰ مَا قَالُوا لَا تَنْظُرْ إِلَىٰ مَنْ قَالَ!»

ترجمه: به آن چه گفته است بنگر و به کسی که گفته است، ننگر.

مفهوم: به کلام و ارزش آن توجه کن، نه به اینکه چه کسی آن را بیان می‌کند.

عبارت: «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ!»

ترجمه: هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.

مفهوم: اگر شایستگان نباشند، کار به دست انسان‌های پست می‌افتد و بالعکس!

عبارت: «مَنْ زَرَعَ الْعَدْوَانَ حَصَدَ الْخَسْرَانَ!»

ترجمه: هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند.

مفهوم: سرانجام بدی؛ پشیمانی است! / هر چه کنی به خود کنی!

عبارت: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ!»

ترجمه: سخن مانند داروست، کم آن سود می‌رساند و زیادش کشنده است.

مفهوم: دعوت به کم صحبت کردن!

عبارت: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالضَّيْنِ فَإِنَّ طَلِبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ!»

ترجمه: علم را بیاموزید اگر چه در چین باشد؛ چرا که طلب دانش، واجب است.

مفهوم: دعوت به فراگیری علم و تحمل سختی‌ها در راه آن.

عبارت: «وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

ترجمه: و کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آنچه انجام می‌دهید دانا هستم.

مفهوم: خدا، دانای نهران و آشکار است و همه چیز را می‌داند.

عبارت: «وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

ترجمه: و خداوند به آنها ستم نکرد، ولی آنها به خودشان ستم می‌کردند.

مفهوم: خدا به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه انسان‌ها هستند که به خودشان ظلم می‌کنند. «(از ماست که بر ماست).»

عبارت: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ!»

ترجمه: هرگاه بردشمنت توانا شدی، بخشش او را شکرانه قدرت بر او قرار بده.

مفهوم: پرهیز از انتقام! / بخشش به جای انتقام.

عبارت: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!»

ترجمه: دنیا دو روز است، روزی برای توست و روزی علیه تو.

مفهوم: دنیا در گذر است و دائم بر مراد یک نفر نمی‌چرخد!

عبارت: «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا!»

ترجمه: برای دنیایت چنان کار کن گویی تو همیشه زندگی می‌کنی و برای

آخرت چنان کار کن گویی فردا می‌میری.

مفهوم: دنیا به سرعت می‌گذرد / آمادگی برای مرگ!

«امید به زندگی دنیوی و مهیا بودن برای زندگی اخروی در هر لحظه.»

عبارت: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْخَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ!

ترجمه: به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و زیاده‌ی حج‌شان نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری آنها توجه کنید.

مفهوم: دعوت به راستگویی و امانتداری!

عبارت: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

ترجمه: پروردگارا؛ این را بیهوده نیافریدی.

مفهوم: هیچ کار خدا بیهوده نیست و تمام کارهایش از روی حکمت است. «هدفمند بودن نظام خلقت.»

عبارت: مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ!

ترجمه: این کیست که آن را در هوا، مانند پاره‌ی آتش به وجود آورده است؟

عبارت: أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ!

ترجمه: به شب نگاه کن؛ چه کسی در آن ماهش را به وجود آورد؟

عبارت: وَ أَنْظُرْ إِلَى النَّجْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ!

ترجمه: و به ابر نگاه کن؛ چه کسی از آن بارانش را فرود آورد؟

عبارت: وَ زَائِهِ بِأَنْجُمٍ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ!

دهم | درس دوم

عبارت: تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!

ترجمه: ساعتی اندیشیدن، بهتر از عبادت هفتاد سال است.

مفهوم: اهمیت فکر کردن و تفکر

عبارت: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا

ترجمه: هر کس کار نیک بیاورد، پس ده برابر مانند آن [ثواب] برایش است.

مفهوم: پاداش کار نیک ده برابر آن است / کرامت خدا. «معامله با خداوند پرسودترین معامله است.»

عبارت: مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

ترجمه: هر چه را که از کار نیک برای خودتان پیش بفرستید، نزد خدا آن را می‌یابید.

مفهوم: دنیا مزرعه آخرت است.

عبارت: قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْبَةَ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ

ترجمه: خداوند فرمود: دو معبود انتخاب نکنید؛ معبود شما همان خدای یکتاست.

دهم | درس سوم

عبارت: النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا

ترجمه: مردم در خوابند، چون بمیرند بیدار می‌شوند.

مفهوم: مرگ آغاز بیداری است!

عبارت: وَ اضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ

ترجمه: در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و از آنها دوری کن.

مفهوم: دعوت به صبر و شکیبایی.

عبارت: فَاسْتَغْفِرُوا لذنوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذَّنْبَ إِلَّا اللَّهُ

ترجمه: برای گناهان‌شان آمرزش خواستند و چه کسی جز خدا، گناهان را می‌بخشد؟

مفهوم: خدا آمرزنده و مهربان است. / دعوت به آمرزش خواهی از درگاه خدا.

عبارت: فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

مفهوم: خدا یکتا و واحد است.

عبارت: «... رَبِّي أَعْلَمُ ... مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ...»

ترجمه: پروردگارم آگاه‌تر است ... جز اندکی آن‌ها را نمی‌دانند.

مفهوم: خدا دانای نهران و آشکار است.

عبارت: «مَنْ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٍ أَفْلا تَعْقِلُونَ»

ترجمه: آیا معبودی جز خدا می‌تواند روشنایی برای شما بیاورد؟ آیا نمی‌شنوید؟

مفهوم: تنها آفریننده و تغییردهنده حالات خداست و او می‌تواند در جهان و انسان تغییرات ایجاد کند.

عبارت: سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ!

ترجمه: همگی در عمل به این حدیث با یک‌دیگر همکاری خواهیم کرد.

مفهوم: دعوت به اتحاد و همکاری.

ترجمه: بگو غیب فقط از آن خداست؛ پس منتظر باشید که من [هم] همراه شما از منتظران هستم.

مفهوم: خدا دانای آشکار و نهران است.

عبارت: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ»

ترجمه: و هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم.

مفهوم: روش دعوت هر پیامبر متناسب با درک و فهم مردم خودش بوده است.

عبارت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید.

مفهوم: ضرورت شناختن دشمن.

بخش

۳

مَنَوَرِی

متن‌آوری

در این بخش می‌خوانیم

با لغات ناآشنا در متن چه کنیم؟
 تیپ‌های سوالات درک مطلب
 بررسی درک مطلب کنکورهای سراسری

المحاكاة (التقليد)، إحدى و سائل التعرف على أشياء جديدة! شما معنی «المحاكاة» را نمی‌دانید، ولی از روی «التقليد» پر واضح است که معنی «تقليد / پیروی کردن» می‌دهد.	تجربی ۸۸
فبناء على هذا نرى أنَّ حاملِي لواء (رأية) الأدب العربي! دانش‌آموزان معمولاً معنی «لواء» را نمی‌دانند، ولی از روی «رأية» واضح است که معنی «پرچم / علم» دارد.	انسانی ۸۸
... تشاهد على البضائع (الأشياء) تدلُّ على حسن صياغة...! طراح چون احتمال داده دانش‌آموز معنی «البضائع» را نداند، به شما «الأشياء» را داده که بفهمید معنی «کالاها / اشیا» دارد.	خارج ۸۹
حيث يَمَلأ الزورق بالماء لينخفض (مُنْدُ) «ارتفع»! دانش‌آموزان معنی «ينخفض» را نمی‌دانند، ولی طراح «مُنْدُ» «ارتفع» را داده که بفهمید معنی «کم شدن / پایین آمدن» دارد.	زبان ۹۰
يترك عمله ليواظب خَلِيَّتِه (بيتِه) كي لا تسقط! طراح احتمال داده است که دانش‌آموز معنی «خَلِيَّتِه» را نداند، به همین دلیل «بيتِه» را داده که از روی آن بفهمید معنی «خانه / مکان» می‌دهد.	انسانی ۹۲
إضافة إلى ذلك كان الإيرانيون من رُوَاد (ج رائد) تلك النهضة! چون دانش‌آموزان معنی «رُوَاد» را نمی‌دانند، طراح مفرد آن را برایتان نوشته است تا به وسیله آن به معنی «پیشگامان» پی ببرید.	ریاضی ۹۶

با لغات ناآشنا در متن چه کنیم؟

برای فهمیدن لغات ناآشنا در متن، راه‌هایی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱) تقلب طراح
- ۲) ریشه‌یابی
- ۳) حدس‌سنگ
- ۴) فارسی بودن بسیاری از جاهای متن

و در این قسمت قصد داریم هر یک از این موارد را بررسی کنیم:

۱. تقلب طراح

گاهی اوقات اگر لغتی برای شما نامأنوس و نامفهوم باشد، طراح یا آن را معنی می‌کند، یا معادلش را به عربی می‌نویسد و یا توضیحی درباره آن می‌دهد که شما به معنی آن لغت پی ببرید که در اینجا قصد داریم به توضیح این مطالب بپردازیم:

۱- معنی کردن

گاهی اوقات طراح خیلی شیک و مجلسی، معنی آن کلمه را برایتان می‌نویسد؛ به مثال‌های زیر دقت کنید:

هو أن يذوب الذهب في مادة تُسمى بِالزئبق (جيوه)! خیلی شیک، طراح «الزئبق» را «جيوه» معنی کرده است.	هنر ۹۷
... بواسطة القنوات أو الأنابيب (لوله‌ها)! طراح برایتان معنی «الأنابيب: لوله‌ها» را نوشته است.	تجربی ۹۸

۲- نوشتن معادل یا مترادف و متضاد

گاهی اوقات طراح برای حدس کلمه برای شما، مترادف یا متضاد و یا جمع یا مفرد آن را می‌نویسد:

ریاضی ۹۱	و كان من آماله أن يرى حقله مليئاً بالأشجار! در بحث لغت «إمْتَلَأَ، يَمْتَلِئُ» را داشتید که معنای «پر شدن» داشت؛ پس «مليئاً» هم معنی «پر شدن» می‌دهد.	فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتّخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (صيد) طعمته! خارج ۹۶ طراح می‌داند که دانش‌آموز معنی «اصطياد» را نمی‌داند و برای همین «صيد» را داده که از روی آن بفهمد معنی «صيد کردن» دارد.
ریاضی ۹۱	مَرَّتْ الأَيَّامُ وَ مَضَّتْ السَّنَوَاتُ! در بحث مترادف و متضاد در لغت و واژه، احتمالاً «مَضَى، يَمْضِي» را شنیده‌اید که معنی «گذشتن» داشت؛ پس «مَضَّتْ» هم، معنی «گذشت» می‌دهد.	ریاضی ۹۸ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (يُعَدُّ) من أهمها! از فعل «يُعَدُّ» که در بحث لغت و واژه خوانده‌اید، واضح است که «يُعتبر» معنی «به شمار می‌آید / به حساب می‌آید» دارد.
تجربی ۹۱	سألته مازحاً عن رأيه، فبدأ يوضح! از روی «توضیح دادن» می‌توانید بفهمید که «بدأ يوضح» معنی «شروع به توضیح دادن کرد» می‌دهد.	تجربی ۹۸ تغذيتها بمياه العيون المتعددة و الآبار (جمع بئر)! از روی «بئر» که در بحث لغت و واژه خوانده‌اید، می‌توانید تشخیص دهید که «الآبار» جمع و به معنی «چاه‌ها» است.
تجربی ۹۱	فسألوا عن حياته و عن المدرسة التي تلقى فيها دروسه! در فیزیک بحث «الفا» را داشتید که مثلاً می‌گفتید جریان در فلان جسم القا شد، یعنی فلان جسم جریان را دریافت کرد، لذا از آن می‌توانید بفهمید «تلقى» معنی «دریافت کرد» می‌دهد.	۳- توضیح دادن گاهی اوقات طراح برایتان راجع به کلمه‌ای توضیح می‌دهد تا از روی آن توضیح، به معنی آن کلمه پی ببرید؛ به مثال‌های زیر توجه کنید.
خارج ۹۱	إستضعفوك فذبحوك! از روی «ضعف / ضعيف» خیلی واضح است که «إستضعفوك» معنی «تو را ضعیف یافتند» می‌دهد.	زبان ۸۹ أشاروا إلى أنه لابد من وجود جزر معمورة (جزيرة فيها عمران)! ممکن است دانش‌آموز معنی «معمورة» را نداند و برای همین، طراح توضیح آن را داده است که از روی توضیح «جزيرة فيها عمران: جزیره‌ای که در آن آبادی است.» می‌توانید بفهمید «معمورة» معنی «آباد» می‌دهد.
خارج ۹۱	سفينة الحياة تعلقو في زمن و تهبط في زمن آخر! تعلقو: از روی «عالی، أعلى» خیلی شیک می‌توانید بفهمید که «تعلقو» معنی «بالا می‌رود، زیاد می‌شود» می‌دهد. تهبط: لغت «هَبَطَ / يَهْبِطُ» را در بحث لغت داشتید؛ پس «تهبط» معنی «پایین می‌آید» می‌دهد.	انسانی ۹۰ أ رأيت طائراً واقفاً على سلك (ما يمز به الكهرياء) من دون أن يهدده خطر؟! از روی توضیح «ما يمز به الكهرياء: آنچه از درون آن برق می‌گذرد»، واضح است که «سلك» معنی «سیم برق / سیم» می‌دهد.
ریاضی ۹۲	أحدهم قَوْل لا ينتج غير الكلام! قَوْل: از روی «قال، يقول» واضح است که «قَوْل» معنی «پرتو / پر حرف» می‌دهد. «ينتج»: هم‌ریشه‌ی آن «نتیجه» است؛ پس واضح است که با حرف «لا» معنی «نتیجه‌ای ندارد» می‌دهد.	خارج ۹۰ الملح يساعده على ذوب بعض الجليد (الماء المنجمد عند البرودة)! از روی توضیح «الماء المنجمد عند البرودة: آب یخ‌زده در سرما» واضح است که «الجليد» معنی «یخ» می‌دهد.
ریاضی ۹۲	و الثالث يفاجئ الناس بعمله دون أن يتكلم! از روی «فجأة: ناگهان» که در بحث لغت داشتید، می‌توانید بفهمید که «يفاجئ» معنی «غافلگیر می‌کند» می‌دهد.	ریاضی ۹۵ أجريت على أكبر شبكة خيوط العنكبوت (ما تصنعه العنكبوت كبيت لها)! از روی توضیح «ما تصنعه العنكبوت كبيت لها: آنچه عنكبوت مانند خانه برای خود می‌سازد.» واضح است که «شبكة خيوط» معنی «تار عنكبوت» دارد.
ریاضی ۹۲	و لكتهم بعد زمن يُفشي سرهم! از روی «فاش شدن» که در فارسی هم به کار می‌بریم، واضح است که «يُفشي» به صورت مجهول و «فاش می‌شود» معنی می‌دهد.	ریاضی ۹۷ تصنع أنثى الصقر بيضها (ما يتولد منه المولود)! از روی توضیح «ما يتولد منه المولود: آنچه فرزند از آن متولد می‌شود»، واضح است که «بيض» معنی «تخم» دارد.
ریاضی ۹۲	هو يستعين على قضاء أموره بالكتمان و يرجح العمل بالصمت! يستعين: در نماز می‌گوییم «إياك نستعين: فقط از تو کمک می‌خواهیم» که خیلی واضح است معنی «کمک می‌خواهد» می‌دهد. يرجح: از روی «ترجیح دادن» که در فارسی به کار می‌بریم، واضح است که «يُرجح» معنی «ترجیح می‌دهد» دارد.	۲. ریشه‌یابی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین تکنیک‌های حدس لغات ناآشنا، ریشه‌یابی و استفاده از کلماتی است که به هر نحوی معنای آنها را به دلیل نزدیک بودن ریشه‌ی کلمات می‌دانید. فکر نکنید که این کار راحتی است؛ بلکه تکرار و تمرین فراوان می‌خواهد. الآن تعداد زیادی تک جمله از متن‌های سال‌های اخیر را برایتان بررسی می‌کنم و در انتها «۳» متن را به صورت کلی با هم بررسی کرده و لغاتی از آنها را ریشه‌یابی می‌کنیم تا برای شما روشن‌تر شود.

<p>ساخته: از «تمسخر / مسخره کردن» می‌آید و معنای «مسخره‌کنان» دارد.</p> <p>ارتفعت: واژه «ارتفاع» را شنیده‌اید؟! حُب از روی آن واضح است که معنی «بالا رفتن» دارد.</p>	<p>انسانی ۸۸</p>
<p>یتغذى العنكبوت بصورة أساسية على الحشرات بعد اصطيادها بشبكة قوية يصنعها. فلماذا بعض العناكب تقوم بصنع شبكة يكفي حجمها لمروء عنكبوت واحد فقط، و تُعَلَّقُ هذه الشبكة على الأغصان أو تُلَقَى في انشاقات الأرض، فيبقى العنكبوت منتظراً في أحد أطرافها. وعند عبور الطعمة تسقط فيها غافلة، فيندفع العنكبوت في داخل الشبكة ليقبض على الصيد، ثم يقوم بترميمها وإصلاحها انتظاراً فريسة أخرى! و بعض العناكب تمتلك غدداً سامة قاتلة يستعملها العنكبوت في معاركة أمام خصومه و أعدائه!</p> <p>یتغذى: از «غذا» و «تغذیه کردن» می‌آید؛ پس معنی «تغذیه می‌کند» دارد.</p> <p>اصطيادها: از «صید / صید کردن» می‌آید و معنی مصدری «صید کردن / شکار کردن» دارد.</p> <p>تقوم: از روی «اقدام کردن» می‌توانید بفهمید که معنی «اقدام می‌کند» دارد.</p> <p>تعلق: در بحث لغت «عَلَّقَ / يُعَلِّقُ» را داشتید که معنی مصدری «آویزان کردن» داشت.</p> <p>تلقی: در بحث لغت «ألقي، يلقى» را داشتید که معنی مصدری «انداختن» داشت.</p> <p>تسقط: از روی «سقوط کردن» که در فارسی متداول است، می‌توانید بفهمید معنی «سقوط می‌کند» دارد.</p> <p>غافلة: از «غفلت کردن / به طور ناگهانی» می‌توانید بفهمید معنی «ناگهانی» دارد.</p> <p>يقبض: شنیدید که می‌گویند «طرف قبض روح شد»؛ یعنی روح او گرفته شد و مرد! از روی همین می‌توانید بفهمید «يقبض» معنی «بگیرد» دارد.</p> <p>فريسة: در بحث لغت کلمه «فريسة» را داشتید که معنی «طعمه / شکار» دارد.</p> <p>تمتلك: از «مالکیت / مالک بودن» می‌آید و معنی «دارند» می‌دهد.</p> <p>سامة: از روی «سمی» می‌توانید بفهمید که «سامة» معنی سمی دارد.</p>	<p>ریاضی ۹۰</p>
<p>الزرافة حيوان لها عنق (گردن) طويل و أقدام طويلة فإنها أطول حيوان في العالم، و هي تكتفي بالماء الموجود في الأوراق و لذلك تستطيع أن تعيش في المناطق الجافة؛ أما إذا وجدت الماء فإنها تتناول منه كثيراً، و تتغذى على الأوراق الجديدة للأشجار، و تساعد على تناولها كيفية جسمها!</p>	<p>هنر ۹۸</p>

<p>و كثير من الحوادث المُرّة التي تحدث بين الأصدقاء...!</p> <p>از روی «مَرَّ / يَمُرُّ» که در بحث لغت داشتید، واضح است که «المُرّة» معنی «تلخ» دارد.</p>	<p>هنر ۹۲</p>
<p>لماذا يتبعنا القمر عندما نسير؟</p> <p>از روی «تبعيت / تابع» که در فارسی داریم، می‌توانید پی ببرید که «يتبعنا» معنی «تعقیبمان می‌کند» دارد.</p>	<p>خارج ۹۲</p>
<p>فهو يرافقنا في السيارة و في القطارا</p> <p>از روی «رفیق» یا «رفاقت» در فارسی، می‌فهمیم که «يرافقنا» معنی «همراهی مان می‌کند» می‌دهد.</p>	<p>خارج ۹۲</p>

برای اینکه بهتون ثابت بشه خیلی از کلمات و فعل‌های ناآشنای متن، با ریشه‌یابی قابل حدس هستند، چند متن از کنکورهای سراسری را به طور کامل براتون آوردم و کامل ریشه‌یابی کردم. دقت کنید!

<p>لقد جاء في الأساطير أن ربحاً قالت يوماً للشمس: ألا تحبين أن تكون لك قوتي؟ فأنا قوية ادمر و اخرب البيوت، و الجميع يخافون مني! في هذا الوقت مَرَّ رجل فقاتل الشمس: هل تستطيعين أن تجبري هذا الرجل بأن يخلع ثيابه؟! فقاتل الريح: ليس أسهل من هذا شيء! فبدأت تصف، أما الزجل فقد استمسك بثيابه بشدة حتى عجزت الريح! عندئذ فهقمت الشمس ساخته و بعد قليل ارتفعت إلى وسط السماء شيئاً فشيئاً، ثم أرسلت أشعتها من هناك و أصبح الجو حاراً. فشعر الرجل بالحرارة و جلس، و بعد دقائق قام بخلع ثيابه!</p> <p>الأساطير: از «اسطوره» می‌آید؛ پس احتمالاً معنی «اسطوره / الگو» می‌دهد.</p> <p>ادمر: در فارسی شنیده‌اید که طرف می‌گوید «دمار از روزگار مادر آورد»، پس حتماً «ادمر» هم، معنی «نابود کردن / از بین بردن» دارد.</p> <p>مَرَّ: این را که در بحث لغت داشتید، که همان «مَرَّ، يَمُرُّ» بود و معنی «گذشتن» می‌داد.</p> <p>تجبري: از «اجبار / مجبور کردن» می‌آید و احتمالاً همین معنی را دارد و معنی «مجبور کنی / وادار کنی» می‌دهد.</p> <p>يخلع: در فارسی اصطلاح «خلع لباس کردن» را شنیده‌اید؟! بله، و از روی آن می‌توان فهمید «أن يخلع ثيابه» معنی «لباسش را در بیاورد» دارد.</p> <p>تصف: در بحث لغت و واژه «عصف» را خواندید که معنی «وزیدن» داشت.</p> <p>استمسك: در مبحث لغت و واژه «استمسك، يَسْتَمْسِكُ» را داشتید که معنی «چنگ زدن / محکم گرفتن» دارد.</p> <p>عجزت: از «عاجز شدن» می‌آید و معنی «عاجز شدن / ناچار شدن» دارد.</p>	<p>انسانی ۸۸</p>
---	------------------

بخش

ک

تخلیب الصفی و
مملک اعراب

تَخْلِيلُ صَرْفِيٍّ وَمَحَلُّ اِعْرَابِيٍّ

در این بخش می‌خوانیم

تحلیل صرفی اسم
تحلیل صرفی فعل
تحلیل صرفی حرف

درود به همگی! سه تا سؤال راحت از تحلیل صرفی در عربی عمومی تون میاد! معمولاً یک سؤال از تحلیل صرفی اسم و دو سؤال از فعل و سه سؤال (۴) تابی هم در عربی اختصاصی تون میاد! نگاه به ظاهر طولانی و بد بدنشون نکنین! خیلی راحت حل میشن! فقط کافیه تکنیک‌هاش رو بلد باشین.

گفتار ۱ | تحلیل صرفی اسم

تحلیل صرفی اسم

برای تحلیل صرفی «اسم»، اول باید برونیم پیا اسم مسوب میشن. باید برونین موارد زیر اسم هستن:

- ۱ تمامی کلماتی که «ال» یا «ة» یا «تنوین» داشته باشند: المسلمة / تلميذاً...
 - ۲ تمامی «مصدر» های ثلاثی مجرد و مزید: صبر / تقديم / مجاهدة...
 - ۳ قیده‌های «مکان» و «زمان»: عند / قبل / بعد / أمام / تحت....
 - ۴ اسامی «اشاره»: هذا / هذه / أولئك / تلك...
 - ۵ انواع «ضمیر»: هو / هما / هم / ك / كما / كم...
 - ۶ کلمات «پرسشی» به جز «هل» و «أ»: أين / كيف / من / ما...
- حالا که شناختیم اسم شامل چه مواردی میشه، باید «جنس اسم / عدد اسم / وزن های مهم اسم / معرفه و نکره» را بشناسیم.

جنس اسم

جنس اسم در عربی به «مذکر» و «مؤنث» دسته بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم آنها را بشناسیم:

مذکر

اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند ← محمود، الثور، الذئب و... اسم مذکر به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود:

۱. مذکر حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان نردلالت می‌کند و مخصوص جانداران است؛ مانند ← محمد، علي، حسن، الثور، الذئب و ...

۲. مذکر مجازی

اسمی است که بر جنس نردلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مذکر در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← القلم، الباب، الكتاب، الدفتر و ...

مؤنث

اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند ← خديجة، فاطمة، البقرة، الدجاجة. اسم مؤنث نیز به دو دسته حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود:

۱. مؤنث حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان ماده دلالت می‌کند و مخصوص جانداران است. مانند ← المعلمة، الأخت ...

۲. مؤنث مجازی

اسمی است که بر جنس ماده دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مؤنث در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← الشمس، المنضدة، المدرسة، الشجرة و ...

نشانه‌های مؤنث مجازی

- ۱ تاء مربوطه «ة»؛ مانند ← المدرسة / الشَّجرة / ...
- ۲ الف ممدوده «اء»؛ مانند ← زَهراء / صحراء / زرقاء / ...
- ۳ الف مقصوره «ی، ا»؛ مانند ← کُبری / صُغری / دُنیا / ...
- ۴ بیشتر اعضای زوج بدن؛ مانند ← يد / رجل / عین / اذن ...
- ۵ اسم «کشورها/ شهرها» مانند ← ایران / طهران ...
- ۶ اسم‌های بدون قاعده مهم ← «الأرض: زمین» - «السَّماء: آسمان» - «السَّمس: خورشید» - «التَّار: آتش» - «الدَّار: خانه» - «التَّفْس: جان» - «حَرْب: جنگ» - «البئر: چاه» ...

اشتباهات متداول

ملاک «مذکر» یا «مؤنث» بودن کلمات، صورت «مفرد» کلمه است؛ پس برای تشخیص «مذکر» یا «مؤنث» بودن باید به «مفرد» کلمه دقت کنید:

- فقهاء مفرد فقیه «مذکر»
- أطباء مفرد طیب «مذکر»
- المدارس مفرد المدرسة «مؤنث»
- الجُزر مفرد الجزيرة «مؤنث»
- الطَّلِبَة مفرد الطالب «مذکر»
- إخوة مفرد أخ «مذکر»
- أشعَّة مفرد شعاع «مذکر»
- اصحاب مفرد صاحب «مذکر»

تست‌ولوژی

- هي سنة جارية بأن الدنيا لا تهدأ بعباء تعطيه!:

(۱) اسم تفضیل - نكرة

(۲) اسم - مفرد - مؤنث - معرّف بأل

(۳) مذکر - اسم مبالغة - معرّف بأل

(۴) مفرد - مذکر - اسم مکان

پاسخ ۲ «دنیا» در انتهایش «الف مقصوره» دارد و مؤنث است. [ردگزینه‌های «۳» و «۴»]

«الدنیا» چون «ال» دارد، معرفه است. [ردگزینه «۱»]

عدداسم

- ۱ مفرد ۲ مثنی ۳ جمع

۱. مفرد

اسمی است که بر یک فرد (شخص / حیوان / شیء...) دلالت می‌کند؛ مثل: «کتاب / جمیل / ورده...»

۲. مثنی

اسمی است که بر دو فرد (شخص / حیوان / شیء...) دلالت دارد و دارای دو علامت «ان / ین» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «دوران: چرخیدن» / «إحسان: نیکی کردن» / «أبدان: بدن‌ها» / «ألوان: رنگ‌ها» / «إخوان: برادران» / «سليمان / شعبان / رمضان / عثمان / ایمان» / «أديان: دین‌ها» / «أسنان: دندان‌ها» / «طيران: پرواز» / «غزلان: آهوها» / «شجعان: شجاع‌ها» / «عُفْران: بخشش» / «حیران: سرگردان» / «شیطان: شیطان» / «غضبان: خشمگین» / «عطشان: تشنه» / «کسلان: تنبل» / «طغیان: طغیان» / «جریان: جریان» / «جوعان: گرسنه» با اینکه انتهایشان «ان» دارند، ولی «مثنی» نیستند، برای اینکه درست تشخیص دهید، باید «ان» را حذف کنید، اگر مفرد کلمه به دست آمد «مثنی» است.

ألوان حذف «ان» ← ألو «مفرد: لون» ← مثنی - جمع مکسر
طالبان حذف «ان» ← طالب «مفرد کلمه» ← مثنی - جمع مکسر

۳. جمع

- ۱ مذکر سالم
۲ مؤنث سالم
۳ مکسر

۱. جمع مذکر سالم

دارای دو علامت «وَنَ / ین» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «قوانین / سلاطین / شیاطین / تمارین / میادین / مجانین / ریاحین / دهاتین / موازین / عیون / جنون / بساتین / مساکین / عناوین / فساتین...» با اینکه انتهایش «ین» و یا «ون» دارند، ولی هیچکدام «مثنی / جمع» نیستند. برای تشخیص درست، باید «ین» یا «ون» را حذف کنید و اگر مفرد کلمه به دست آمد «مثنی / جمع مذکر سالم» است، ولی اگر مفرد آن به دست نیامد «جمع مکسر / مفرد» می‌باشد.

قوانین حذف «ین» ← قوان «مفرد: قانون» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
شیاطین حذف «ین» ← شیاط «مفرد: شیطان» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
مؤمنین حذف «ین» ← مؤمن «مفرد کلمه» ← جمع مکسر - جمع مذکر سالم - مثنی
«ین» بین «مثنی» و «جمع مذکر سالم» مشترک است؛
اگر «ین»؛ «کسر = ین» داشته باشد ← مثنی
اگر «ین»؛ «فتحه = ین» داشته باشد ← جمع مذکر سالم

۲. جمع مؤنث سالم

دارای علامت «ات» است.

اشتباهات متداول

کلماتی مانند «آیات / أصوات / أموات / نبات / ممات / سمات / إنبات / أوقات...» با اینکه انتهایشان «ات» دارند، ولی هیچکدام «جمع مؤنث سالم» نیستند. برای اینکه درست تشخیص دهید، باید «ات» را حذف کنید، و یک «ة» به آن اضافه کنید. اگر مفرد کلمه به دست آمد «جمع مؤنث سالم» است، ولی اگر مفرد آن به دست نیامد، جمع مکسر یا مفرد می‌باشد.

أصوات حذف «ات» ← أصوة «مفرد: صوت» ← جمع مؤنث سالم - جمع مکسر
جئات حذف «ات» ← جئة «مفرد کلمه» ← جمع مؤنث سالم - جمع مکسر

نکته

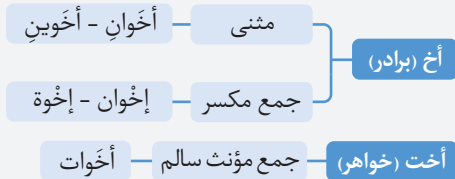
کلمات «بنات / أخوات / أمهات / سنوات / أدوات / سماوات» با تغییرات کمی، جمع مؤنث سالم از «بنت / أخت / أم / سنة / أداة / سماء» هستند.

۳. جمع مکسر

قاعده خاصی ندارد و بیشتر سماعی است و آن‌ها را در درس‌های مختلف و بخش‌های مختلف کتابتان دیده‌اید. در اینجا فقط به هند مثال اکتفا می‌کنیم:

جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر	مفرد
التلاميذ	التلميذ	المدارس	المدرسة
الرجال	الرجل	الكتب	الكتاب
الأعزاء	العزیز	البخلاء	البخیل
المساجد	المسجد	المصباح	المصباح

اشتباهات متداول



تستولوزی

فَلتؤمن أن للدنيا يومين! (فارغ ۸۸)

- جمع سالم للمذكر - معرفة!
- اسم - مثنی - مذکر - نكرة!
- اسم - مثنی - مذکر - معرف بالعلمیة!
- اسم - جمع سالم للمذكر - نكرة!

پاسخ ۲ «ین» مربوط به «مثنی» و «ین» مربوط به «جمع مذکر سالم» است؛ پس «یومین»، «مثنی» است. [ردگزینه‌های «۱» و «۴»] «یومین» معرفه نیست. [ردگزینه‌های «۱» و «۳»]

- النباتات مثل البساتین المجاورة لها! (ریاضی ۹۱)
- جمع تکسیر - معرف بآل / مضاف إليه
 - اسم - مؤنث - مثنی / صفة
 - اسم - جمع سالم للمذكر - معرف بآل / مضاف إليه
 - جمع مکسر - معرف بآل / صفة

پاسخ ۱ اگر «ین» را حذف کنید، «البسات» باقی می‌ماند که مفرد آن کلمه نیست، چون مفرد کلمه «البستان» است؛ پس «جمع مکسر» می‌باشد. [ردگزینه‌های «۲» و «۳»]

نقش «البساتین» مضاف‌إلیه است. [ردگزینه‌های «۲» و «۴»]

- الناس یجتمعون واقفین علی جانبي الطریق! (تجربی ۹۳)
- جمع سالم للمذكر - نكرة / صفة
 - جمع سالم للمذكر - اسم فاعل «مصدره: وقوف» / حال
 - اسم فاعل «مصدره: توقیف» - مثنی - نكرة / صفة
 - اسم - مثنی - اسم فاعل - نكرة / حال

پاسخ ۲ حرکت «ین» را نداده، پس یا «ین: مثنی» یا «ین: جمع مذکر سالم» است که از روی فعل «یجتمعون» می‌توانید بفهمید «ین: جمع مذکر سالم» است. [ردگزینه‌های «۳» و «۴»]

«واقفین»؛ «حال» است. [ردگزینه‌های «۱» و «۳»]

فالإیرانیون بعد أن أسلموا حاولوا لكشف جميع زوايا هذه اللغّة!:

- جمع تکسیر - معرف بآل / مبتدا (هنر ۸۷)
 - اسم - جمع سالم للمذكر / مبتدا
 - اسم - مثنی - مذکر / خبر مقدم
 - مثنی - مذکر - معرف بالعلمیة / صفة
- پاسخ ۲ علامت «ون» فقط مخصوص «جمع سالم للمذكر» است. [رد سایر گزینه‌ها]

وزن‌های مهم اسم

وزن‌های مهم اسم، شامل «اسم فاعل / اسم مفعول / اسم مبالغه / اسم تفضیل / اسم مکان» است که برای یادآوری، آن‌ها را در جدول زیر جمع‌بندی کرده‌ایم. به این جدول دقت کنید:

اسم	وزن	مثال
فاعل	فاعل / مؤنث	الصادقون لا یكذبون الحقائق حولهم! المؤمنون یشكرون ربهم!
مفعول	مفعول / مؤنث	المدير مسئول عن أعماله أمام الموظفین!
مبالغه	فعال / فعالة	إن ربی علم الغیوب!
تفضیل	أفعل / فُعلی	آسیا أكبر من أوروبا
مکان	مفعّل / مفعلة	أليس في المجلس أكبر من الأمير؟

چه طوری باب (اسم فاعل / اسم مفعول) را تشخیص دهیم؟

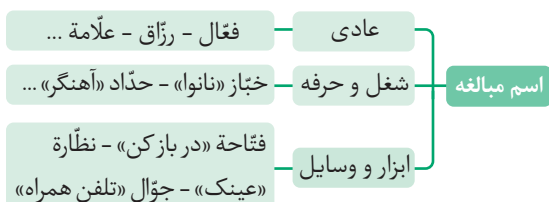
برای اینکه تشخیص دهیم اسم فاعل یا اسم مفعول از چه بابی ساخته شده است، باید حرف «م» را از ابتدای آن حذف کرده و به جای آن حرف «پ» قرار دهیم تا تبدیل به فعل شود و آن‌گاه با روش‌هایی که قبلاً یاد گرفته‌ایم، باب و مصدر آن را تشخیص دهیم.

اسم فاعل تبدیل (م) به (پ) فعل ← تشخیص باب اسم مفعول

- منتظر تبدیل (م) به (پ) منتظر ← باب «افتعال»
- متعلم تبدیل (م) به (پ) يتعلم ← باب «تفعل»

تکته

اسم مبالغه می‌تواند سه گروه باشد و علاوه بر این‌که از شما اسم مبالغه بودن آن را می‌پرسند، این‌که از کدام دسته است را نیز مورد سؤال قرار می‌دهند.



۵

بخش

ضبط و اوتی

ضَبْطُ لُوزِي

در این بخش می‌خوانیم

حرکت‌گذاری «ت» در انتهای فعل ماضی، حرکت‌گذاری «ک» و «انت»، حرکت‌گذاری اوزان اسم، حرکت‌گذاری معلوم و مجهول، حرکت‌گذاری انواع «ان»، حرکت‌گذاری انواع «من»، حرکت‌گذاری «مثنی» و «جمع»، تنوین، آری یا نه! مسئله این است، حرکت‌گذاری اسامی بعد از حروف جر، حرکت‌گذاری «لَمَّ» و «لَمَّ»، حرکت‌گذاری موصوف و صفت، حرکت‌گذاری «آخِر / آخِر»، عربی را پاس بداریم، اعراب‌گذاری فعل مضارع، حرکت‌گذاری باب «افتعال»، حرکت‌گذاری باب «انفعال»، حرکت‌گذاری باب «استفعال»، حرکت‌گذاری باب «إفعال»، حرکت‌گذاری باب‌های «تفعیل» و «تفَعَّل»، حرکت‌گذاری باب‌های «مفاعلة» و «تفاعل»، حرکت‌گذاری باب‌ها به صورت ترکیبی، حرکت‌گذاری «کان» و «کَانَنَّ»، ضمیر + «لِ» حرکت‌گذاری بر اساس اعراب کلمات، حرکت‌گذاری منادی

در سؤال فوق راجع از مبحث ضبط حرکات داریرا مبحث فیلی شیرینی هستش! اگر در سنامه رو فوب بفونین و تست‌ها رو با دقت بزنین، یقیناً از پس آن برمی‌آیید! البته صورت سؤالات کنکور اکثراً «عین الفطی» هستش، ولی ما بیشتر «عین الصبیح» آوریم تا بتوانید تمرین بیشتری داشته باشید!

گفتار ۱ حرکت‌گذاری «ت» در انتهای فعل ماضی

در برخی صیغه‌های فعل «ماضی»، ضمیر «ت» می‌آید که باید تشخیص دهید کدام یک (ت / تِ / تٍ / تٌ) است.

ضمیر متصل	فعل ماضی	ضمیر منفصل (جدا)
ه	ذهب	هو
هما	ذهبا	هما
هم	ذهبوا	هم
ها	ذهبتن	هي
هما	ذهبتا	هما
هنّ	ذهبتن	هنّ
ک	ذهبت	أنت
کما	ذهبتما	أنتما
کم	ذهبتنم	أنتم
ک	ذهبت	أنت
کما	ذهبتما	أنتما
کنّ	ذهبتن	أنتن
ي	ذهبت	أنا
نا	ذهبتنا	نحن

۱. ا. ث

با توجه به جدول، «ث» برای «للغائبة = مفرد مؤنث غایب» به کار می‌رود که این را می‌توانید اگر در جمله ضمیر «هي» دیدید یا اگر فعل به «جمع غیر عاقل» مربوط می‌شد، تشخیص دهید، در غیر این صورت می‌توانید از ساختار و شرایط جمله تشخیص دهید.

تست‌لوزی

- التلميذة شكرت ربّها في يوم الشدّة!

(۱) شكرت (۲) شكرت (۳) شكرت (۴) شكرت

پاسخ ۱۴ از «التلميذة» و ضمیر «ها» در «ربّها» می‌توان فهمید که فعل برای «للغائبة» است و به شکل «شكرت» باید باشد.

نکته

وقتی «ث» در انتهای فعل «ماضی للغائبة» به یک اسم «ال» دار برسد، چون نمی‌شود «ث» را خواند، به «ت» تبدیل می‌شود.

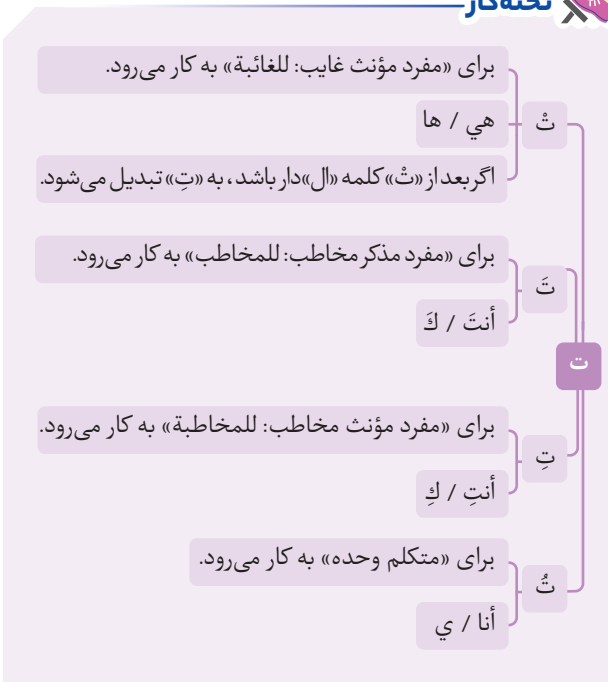
تست‌لوزی

- عصفت الريح بما لا تشتهي السفن!

(۱) عَصَفَتْ (۲) عَصَفَتْ (۳) عَصَفَتْ (۴) عَصَفَتْ

پاسخ ۲ «عصفت» به «مفرد مؤنث: للغائبة» برمی‌گردد، پس باید «عَصَفَتْ» باشد، ولی چون «ث» به «ال» رسیده، قابل خواندن نیست و باید به شکل «عَصَفَتْ» باشد.

تخته‌گاز



۲. ت

با توجه به جدول قبل «ت» برای «للمخاطب = مفرد مذکر مخاطب» است، پس اگر در جمله ضمیر «أنت» باشد یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله، ضمیر «ك» باشد، می‌توانید تشخیص بدهید، ولی اگر ضمیر نبود از ساختار جمله تشخیص بدهید.

؟ تستولوزی

- إلهي؛ قد سترت عليّ ذنوبي!

- | | |
|----------|----------|
| سترث (۲) | سترث (۱) |
| سترث (۴) | سترث (۳) |

پاسخ ۱ چون خداوند را مورد خطاب و ندا قرار داده است، پس «سترث» به خدا برمی‌گردد و «للمخاطب» است و باید به شکل «سترث» باشد.

۳. ت

با توجه به جدول قبل «تِ» برای «للمخاطبة = مفرد مؤنث مخاطب» است، پس اگر در جمله ضمیر «أنتِ» دیدید، یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله ضمیر «كِ» آمده باشد، می‌توانید تشخیص بدهید، در نهایت اگر هیچ یک از موارد گفته شده نبود، از ساختار جمله تشخیص دهید.

؟ تستولوزی

- يا أختي؛ هل ساعدتي في فهم الدروس الصعبة!

- | | |
|-----------|-----------|
| ساعدت (۲) | ساعدت (۱) |
| ساعدت (۴) | ساعدت (۳) |

پاسخ ۲ چون «أختي» مورد خطاب قرار گرفته و «مؤنث» است، پس فعل باید برای «للمخاطبة» باشد، بنابراین «ساعدتِ» درست است.

۴. ت

با توجه به جدول قبل، «تُ» برای «للمتکلم وحده = اول شخص مفرد» به کار می‌رود، اگر در جمله ضمیر «أنا» دیدید، یا اگر در انتهای همین فعل یا فعل‌های دیگر یا یکی از اسم‌ها یا حرف‌های این جمله، ضمیر «ي» دیدید، قادر به تشخیص خواهید بود، اما اگر هیچ یک از آنها نبود، باید از ساختار جمله، تشخیص بدهید.

؟ تستولوزی

- أتممت عليكم نعمتي!

- | | |
|-----------|-----------|
| أتممت (۲) | أتممت (۱) |
| أتممت (۴) | أتممت (۳) |

پاسخ ۴ از ضمیر «ي» در «نعمتي» کاملاً واضح است که فعل برای «متکلم وحده» می‌باشد و باید به صورت «أتممتُ» بیاید.

؟ تستولوزی

- عين الضحيح في ضبط حركات الحروف:

- ۱) أَيْتَهَا الْمُؤْمِنَةُ! اجْتَهَدْتُ فِي طَرِيقِ اكْتِسَابِ الْعِلْمِ!
 - ۲) ذَهَبْتُ الْأُمُّ إِلَى الطِّفْلَتَيْنِ وَ جَعَلَتْ تَمْرَةً فِي فَمِ كُلِّ مِنْهُمَا فَرَضِي اللَّهُ عَنْهَا!
 - ۳) سَأَلْتُ إِنْتَانِ مِنَ الحَاضِرِينَ الخَادِمَ عَنِ سَبَبِ مَا فَعَلَهُ فَقَالَ سَقَطَتْ قَطْرَةٌ صَغِيرَةٌ!
 - ۴) كَانَتْ الْمَرْأَةُ وَاقِفَةً قَرَبَ الخِيْمَةِ وَ عَرَسَتْ حَنْجَرَهَا فِي الْأَرْضِ!
- پاسخ ۴** «كانت» به «المرأة: للغائبة» برمی‌گردد ولی چون «ت» به «ال» می‌رسد، به صورت «كانتِ» درآمده و درست است و از ضمیر «ها» در «خنجرها» نیز می‌توان فهمید که «عَرَسَتْ» کاملاً درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ از روی «أَيْتَهَا الْمُؤْمِنَةُ» واضح است که «اجْتَهَدْتُ» نادرست است چون برای «للمخاطبة» می‌باشد و باید به شکل «اجْتَهَدْتِ» بیاید.
- ۲ هر دو فعل «ذهبت» و «جعلت» به «الأُمُّ» برمی‌گردند، ولی چون «ذَهَبْتُ» به «ال» رسیده، به «ذَهَبْتِ» باید تبدیل شود، اما «جَعَلْتُ» نیازی به این تغییر ندارد.
- ۳ «سقطت» به «قطرة: مفرد مؤنث: للغائبة» برمی‌گردد و بعد از آن اسم «ال» دار نداریم، پس باید به صورت «سَقَطْتُ» بیاید.

گفتار ۲ حرکت گذاری «ك» و «أنت»

همان طور که در نمودار قبل دیدید «ك» برای «للمخاطب» به کار می‌رود و «ك» برای «للمخاطبة» است.
 • أنت = فعلت = ك
 • أنت = فعلت = ك

? تست لوزی

- یا صدیقتی هل تُشجِّعین أولادك علی القراءة؟
 (۱) أولادك (۲) أولادك (۳) أولادك (۴) أولادك
پاسخ ۲: از «صدیقتی» و «تُشجِّعین» می‌توان فهمید که جمله برای «للمخاطبة» است و برای آن «ك» یعنی «أولادك» باید به کار رود.

گفتار ۳ حرکت گذاری اوزان اسم
۱. اسم فاعل

ثلاثی مجرد: بر وزن «فاعل» می‌آید؛ مثل: كاتب - عالم - كاظم
ثلاثی مزید: بر وزن «م...» می‌آید؛ مثل: مُتعلِّم - مُتجاوز

? تست لوزی

- یحکم الأمير علی المجرم فی المحكمة بالعدالة!
 (۱) المجرم (۲) المجرم (۳) المجرم (۴) المجرم
پاسخ ۲: در اینجا با توجه به معنی [پادشاه در دادگاه، به عدالت بر «مجرم: متهم، گناهکار» حکم می‌کند]، اسم فاعل داریم و باید به صورت «م...» یعنی «المجرم» باشد.

۲. اسم مفعول

ثلاثی مجرد: بر وزن «مفعول» می‌آید؛ مثل: مکتوب
ثلاثی مزید: بر وزن «م...» می‌آید؛ مثل: مُنتظر - مُستخدَم

? تست لوزی

- الإنسان الناجح معتمد عند كل أصدقائه وأقربائه!
 (۱) الناجح - مُعتمد (۲) الناجح - مُعتمد
 (۳) الناجح - مُعتمد (۴) الناجح - مُعتمد
پاسخ ۱: «الناجح» اسم فاعل بوده و به شکل «الناجح» درست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»] با توجه به معنی: «انسان موفق، نزد همه دوستان و نزدیکانش مورد اعتماد واقع شده است.»؛ واضح است که «مُعتمد» صحیح است؛ چرا که اسم مفعول می‌باشد و باید بر وزن «م...» بیاید. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۳. اسم مکان

بر وزن «مفعول» یا «مفعول» می‌آید.

? تست لوزی

- ذهب عليٌّ إلى متجر صدیقه!
 (۱) متجر (۲) متجر (۳) متجر (۴) متجر
پاسخ ۲: در اینجا «متجر = مغازه» اسم مکان است و می‌تواند بر وزن «مفعول» یا «مفعول» باشد که در اینجا «مفعول: متجر» درست است.

تشخیص «أنت» و «أنت»

«أنت» برای «للمخاطب» به کار می‌رود که می‌توانید از روی ضمیر «ك» در جمله یا فعل‌های ماضی و مضارع یعنی «فعلت» و «تفعل» تشخیص بدهید، ولی «أنت» برای «للمخاطبة» به کار می‌رود که این راه هم می‌توانید از روی ضمیر «ك» در جمله یا فعل‌های ماضی و مضارع «فعلت» یا «تفعلین» تشخیص بدهید.

• أنت = فعلت = تفعل = ك

• أنت = فعلت = تفعلین = ك

۴. اسم تفضیل

برای مذکر بر وزن «أفعل» و برای مؤنث بر وزن «فعلی» می‌آید.

تخته‌گاز

? تست لوزی

- عین الصَّحیح فی ضبط حركات الحروف:

- (۱) اِشْتَهَرَ الكُتَّابُ المُسْلِمُونَ بِکتاباتهم العِلْمیَّة!
- (۲) یَحْكُمُ الأميرُ عَلیَّ المُجرِمِ فی المحكمةِ بِالْعَدَالَةِ!
- (۳) و ما أَرْسَلْنَا المُرسَلینَ إِلَّا مُبَشِّرینَ و مُنذِرینَ!
- (۴) جَعَلَ اللهُ المُستضعِفينَ وراثینَ الأرضِ!

پاسخ ۳: با توجه به معنی: «و فرستاده‌شدگان را جز بشارت‌دهنده و اندازنده‌نفرستادیم.» واضح است که «المُرسَلینَ» اسم مفعول و «مُبَشِّرینَ / مُنذِرینَ» اسم فاعل هستند و اعراب هر دو، صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «مسلم» یعنی «گرویده به اسلام»؛ پس اسم فاعل است و باید به صورت «المُسلمون» باشد.
- ۲ «مجرم» معنی «گناهکار» می‌دهد؛ پس اسم فاعل است و باید به صورت «مُجرِم» باشد.
- ۴ «مُستضعفین» اسم مفعول است و معنی «ضعیف‌شدگان» می‌دهد، پس باید به صورت «مُستضعفین» باشد.

ع

بخش

واکات

مبحث اول

واژگان دهم

۱ | درس

لغات درس

قاعة المطار سالن فرودگاه	ذات صاحب، دارای	آخرین آیندگان
قُل «قال، يَقُولُ» بگو	ذاک آن	إِنْحَثْ «بَحَثْ، يَبْحَثُ» جست و جو کن
كَمَلُ «كَمَلْ، يَكْمَلُ» کامل کن	رخصیص ارزان	إِغْبِرْ تیره رنگی، غبارآلودگی
لِسَانُ صَدِيقٍ یادی نیکو	رَقَدَ «رَقَدَ، يَرْقُدُ» خوابید، بستری شد	أَرَادِلُ «مفرد: أَرْدَلُ» انسان های پست و بی مقدار
لِمَ چرا، برای چه؟	زَان «زَان، يَزِينُ» آراست، زینت داد	أَفْضَلُ «مفرد: أَفْضَلُ» انسان های شایسته
مُرَاجَعَةٌ مرور کردن	زُجَاجَةٌ شیشه	أَنْجُمُ «مفرد: نَجْم» ستاره ها
مُسْتَعْرَظَةٌ فروزان	شراء خریدن	أَنْزَلَ «أَنْزَلَ، يُنْزِلُ» نازل کرد
مُسْتَعِينًا بِا كَمِكِ	شَرَرَةٌ پاره آتش، اخگر	أَنْعَمُ «مفرد: نِعْمَةٌ» نعمت ها
مَسْمُوحٌ مجاز	شَقَّ «شَقَّ، يَشِقُّ» شکافت	أَوْجَدَ «أَوْجَدَ، يُوجِدُ» به وجود آورد
مَعَ الْأَسْفِ متأسفانه	ظلمات «مفرد: ظلمة» تاریکی ها	بَالِغٌ کامل، تمام
مَطَارٌ فرودگاه	عُدْوَانٌ دشمنی	بَطَّارِيَةٌ باتری
مَطَرٌ باران	صوم روزه	تَرْجِمُ «تَرْجِمَ، يُتْرَجِمُ» ترجمه کن
مِفْتَكَرَةٌ اندیشمند	صَبَّيْرٌ «صَبَّيْرٌ، يُصَبِّرُ» گردانید	تَعَاوَفٌ آشنا شدن
مُنْتَشِرَةٌ پخش شده	صَغَ «وَضَعَ، يَضَعُ» بگذار، قرار بده	تَعِيشُ «عَاشَ، يَعِيشُ» زندگی می کنی
مُنْهَمِرَةٌ ریزان	ضياء نور	جَدْوَةٌ پاره آتش
مَوْظَفٌ کارمند	عَيِّنَ «عَيَّنَ، يُعَيِّنُ» تعیین کن، مشخص کن	جَهَّزَ «جَهَّزَ، يُجَهِّزُ» مجهز کرد
نَصْرَةٌ تروتازه	غالي گرانی	حَبَّةٌ دانه
نَمَتْ «نَمَا، يَنْمُو» رشد کرد	عُصُونٌ «مفرد: عُصْنٌ» شاخه ها	خِرَارَةٌ گرما
هَلَكٌ «هَلَكَ، يَهْلِكُ» هلاک شد	غَمِيمٌ ابر	خَصَدٌ «خَصَدَ، يَخْصُدُ» درو کرد
يُخْرِجُ «أَخْرَجَ، يُخْرِجُ»	فَائِزٌ برنده، پیروز	خُسْرَانٌ زیان
خارج می کند، بیرون می آورد	فَوَاحٍ [جای] خالی	خَضِرَةٌ سرسبز
يَدُورُ «دَارَ، يَدُورُ» می چرخد	فُسْتَانٌ پیراهن زنانه	دَارٌ «دَارَ، يَدُورُ» چرخید
	فَطُورٌ صبحانه	دُرٌّ «مفرد: دُرٌّ» مرواریدها
	قَاعَةٌ سالن	ذَا این

مترادفها

مُجْتَهِدٌ = مُجِدِّ كَوْشَا	ضياء = نور نور
خُسْرَانٌ = ضَرَّرَ زِيَان	فَتَّشَ = بَحَثَ عَنْ جست و جو کرد
أَنْجُمُ = كَوَاكِبُ ستاره ها	مَسْمُوحٌ = جَائِزٌ مجاز
مَلَابِسٌ = أَثْوَابٌ لباس ها	
غالي = باهِظٌ گرانی بها	
بالغ = تَامٌ کامل	

صار = أصبح شد، گردید
جدوة = شررة اخگر، پاره آتش

مُسْتَعْرَة = مُشْتَعَلَة فروزان
أَنْعَم = موهاب = نَعَم نعمت‌ها
رَقَدَ = نام خوابید
وَضَع = جَعَلَ قرار داد

يَعِيش = يَسْكُن زندگی می‌کند
زَان = زَيْن آراست
غَيْم = سَحَاب ابر
فَاتِر = نَاجِح برنده، پیروز

متضادها

غداً فردا ≠ أمس دیروز
أَرَاذِل انسان‌های پست ≠ أَفْضَل انسان‌های
ارزشمند
غالي گران ≠ رخيص ارزان
بالغ كامل ≠ ناقص ناقص
يسار چپ ≠ يمين راست
قليل كم ≠ كثير زياد
شراء خريدن ≠ بيع فروختن

حُسران زيان ≠ نَفَع سود
زَرَع كاشت ≠ حَصَد برداشت كرد
حَرارة گرما ≠ بَرودة سرما
ناجِح برنده ≠ راسب مردود
بعيد دور ≠ قريب نزديك
تعيش زندگي مي‌كني ≠ تموت مي‌ميري
ممنوع ممنوع ≠ مسموح مجاز
ضياء روشني ≠ ظلمة تاريكي

خزين ناراحت ≠ مسرور خوشحال
قصير کوتاه ≠ طويل بلند
بداية آغاز ≠ نهاية پايان
يُخْرِج خارج مي‌كند ≠ يَدْخُل وارد مي‌كند
ذات داراي ≠ بلا بدون
قبيح زشت ≠ جميل زيبا

جمع مكسر

أَنْمَة - إمام پيشوا
أعداء - عدد عدد
أَنْجُم - نجم ستاره
أَنْفُس - نفس نفس

غُيوم - غيم ابر
دُرر - دُر مرواريد
أَبْحَاث - بَحْث تحقيق، پژوهش
عَقَارِب - عقربة عقربه

عُصون - عُصن شاخه
ألوان - لون رنگ
فُصول - فصل فصل
نَعَم - نعمة نعمت

جُمَل - جملة جمله
أحجار - حجر سنگ
أعداء - عدو دشمن

متشابهات

سَار، يَسِيرُ حرکت کردن ~ صَارَ، يَصِيرُ شدن
أَخْرِين آیندگان ~ أَخْرِين ديگران
ضياء روشنايي ~ ضوء نور
غَيْم ابر ~ قيمة ارزش
فَسَاتِين لباس‌های زنانه ~ بَسَاتِين بوستان‌ها
جَدْوَة پاره آتش ~ جَذَع تنه درخت
أَنْعَم نعمت‌ها ~ أَنْعَم بخشيد
وَجَدَ، يَجِدُ يافتن ~ أَوْجَدَ، يُوجِدُ پديد آوردن
مُسْتَعْرَة فروزان ~ مُنْهَمَرَة ريزان ~ مُنْشَرَة پراکنده
خَرَجَ، يَخْرُجُ خارج شدن ~ أَخْرَجَ، يُخْرِجُ بيرون آوردن ~ تَخَرَّجَ، يَتَخَرَّجُ دانش آموخته شدن
نَاصِر ياري‌کننده ~ مَنصُور ياري شده ~ أَنصار ياري‌کنندگان
جَمِيل زيبا ~ جَمال زيبايي ~ جَمَل جمله‌ها
صَبَّار بسيار صبور ~ صَبُور شكيبا ~ صابر شكيبا
حَبَّة دانه ~ حُبَّ عشق ~ حَبَّ قرص
غداً فردا ~ غداء ناهار ~ عَدَاة آغاز روز ~ عُدَاة دشمنان
سَمَحَ، يَسْمَحُ اجازه دادن ~ مَسْمُوح مجاز ~ سَمِعَ، يَسْمَعُ شنيدن ~ سَامِع شنونده
مَطَار فرودگاه ~ طَائِرَة هواپيما ~ طَيَّار خلبان ~ طَيْر پرنده ~ قَطَّار قطار
نَظَرَة ديدگاه ~ نَظْرَة ترو تازه ~ نَظَر، يَنْظُرُ نگاه کردن ~ أَنْظَرُ نگاه مي‌کنم ~ أَنْظُرُ نگاه کن

نَزَلُ، يَنْزِلُ نازل شدن، پايين آمدن ~ أَنْزَلَ، يُنْزِلُ نازل کردن، پايين آوردن
حَرارة گرما ~ حَاز گرم
نَجَحَ، يَنْجَحُ موفق شدن ~ نَاجِح موفق
ذَا اين ~ ذَلِك آن
أَبْحَثَ، يُبْحِثُ عَنْ جست‌وجو کردن، گشتن ~ بَحْث تحقيق
نَصْرَة ياري ~ نَصْرَة ترو تازه
دَاوَر، يَدْوِرُ چرخيدن ~ أَدَاوَر، يُدِيرُ مديريت کردن

بخش

قواعد عربی

مُرُورٌ مُتَوَسِّطَةٌ أَوَّلٌ

دقت کنید که برخی مطالب را که شما در کتاب‌های متوسطه دوم دارید، در مبحث مرور متوسطه اول نیآورده‌ایم و در همان مبحث متوسطه دوم بررسی کرده‌ایم که عبارتند از:

((موصوف و صفت ← ترکیبات وصفی اضافی)) / ((شناخت عدد، ساعت، روز، ماه و سال ← عدد و معدود)) / ((امر ثلاثی مزید ← ثلاثی مجرد و مزید)) / ((فعل مستقبل ← اعراب فعل مضارع)) / ((فعل نفی و نهی ← اعراب فعل مضارع))

گفتار ۱ شناخت انواع کلمه

کلمه در عربی به سه دسته «فعل / اسم / حرف» تقسیم‌بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم به‌طور کامل همه این سه دسته را بررسی کنیم.

۱. فعل

معنای انجام شدن کاری و یا روی دادن حالتی را در **زمان مشخص** دارد و دارای شخص (**صیغه**) است: یعنی کلمه‌ای هست که **زمانش مشخصه مثلاً نشون** می‌ده مربوط به گذشته، حال یا آینده هست و هم مشخصه مربوط به **چه اشخاصیه مثلاً** برای یک آقا، دو آقا یا پندر آقا و یا مربوط به **فانوماس**.

• **طَلَبٌ «خواست» - تکنبیین «می‌نویسی» - اجْعَلُ «قرار بده» ...**

اشتباهات متداول

وزن «فعل» می‌تواند «فعل ماضی» یا «مصدر» باشد، که باید از معنی تشخیص دهید:

طَلَبَ اللهُ مِنَ الْإِنْسَانِ عِبَادَتَهُ!

در اینجا با توجه به معنی: «خدا از انسان عبادتش را خواست.»؛ «طَلَبٌ» فعل است.

طَلَبِي مِنَ أَبِي خَمْسُونَ مِليونًا!

با توجه به معنی: «طلب من از پدرم، پنجاه میلیون است.»؛ «طَلَبٌ» مصدر است.

نکته

تمامی مصادر فعل‌های ثلاثی مزید نیز «اسم» هستند، پس آنها را با فعل اشتباه نگیرید. آن‌ها را برای شما یادآوری می‌کنیم:

مفَاعَلَةٌ	مکاتبة	مکاشفة
إِفْعَالٌ	إِعْصَارٌ	إِنذَارٌ
اِفْتِعَالٌ	اِكْتِشَافٌ	اِرْتِزَاقٌ
اِنْفِعَالٌ	اِنْكَسَارٌ	اِنْتِصَارٌ
اِسْتِفْعَالٌ	اِسْتِكْبَارٌ	اِسْتِخْدَامٌ
تِفَاعُلٌ	تِظَاهِرٌ	تِكْمَالٌ
تِفْعُلٌ	تِقْدُمٌ	تَأخُّرٌ
تِفْعِيلٌ	تِكْثِيرٌ	تِكْبِيرٌ

۲. اسم

معنای کاملی دارد و بر «فرد / شیء و ...» دلالت می‌کند، ولی برخلاف فعل، «زمان» و «صیغه» ندارد؛ یعنی مشخص نیست در چه زمانی رخ داده است و برای چه اشخاصی است.

• مکتبة «کتابخانه» - مَطَرٌ «باران» ...

اشتباهات متداول

جلوتر می‌خوانیم که در انتهای «۴» صیغه فعل ماضی «ت» ظاهر می‌شود که عبارتند از: «ث: للغائبة» / «ت: للمخاطب» / «ت: للمخاطبة» / «ث: للمتکلم وحده» که در حالت‌های «ت / ت / ت» ضمیر است و جزء «اسم» به‌شمار می‌رود، ولی در حالت «ث» نشانه مؤنث بودن است و جزء فعل می‌باشد و اسم محسوب نمی‌شود.

تست‌لوزی

- عَيْن الصَّحِيح في اختلاف عدد الأفعال و الأسماء:

- ۱) لاينفعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليومية! : سبعة
- ۲) الطالب من اعتقد أن التعلم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً : سبعة
- ۳) المؤمن لا يبطل ما أنفقه في سبيل الله بالمن والأذى ، فإن عمل يضيع جزاءه! : خمسة
- ۴) من المعلمين من يضحى نفسه لبناء المجتمع رفيعاً محكماً ، و هو لا يتعب في هذا الطريق! : تسعة

پاسخ ۳ «لا يبطل / أنفق / عمل / يضيع» فعل و «المؤمن / ما / ه / سبيل / الله / المن / الأذى / جزاء / ه» اسم هستند و اختلاف آن‌ها «۵» است. دقت کنید که در اینجا «عمل» داریم و فعل است: «مؤمن آنچه را در راه خدا انفاق کرد، با منت و اذیت باطل نمی‌کند، پس اگر آن را انجام دهد، جزایش را ضایع کرده است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «فعل: لا ينفع / نستفيد / نعمل» / «اسم: نا / العلم / ما / ه / ه / حياة / نا / اليومية» دقت کنید که «من»ها هر دو «من» اند: تنها چیزی از علم به ما سود می‌رساند که از آن استفاده می‌کنیم و در زندگی روزمره مان به آن عمل می‌کنیم.»
- ۲ «فعل: اعتقد / لا ينفصل» / «اسم: الطالب / من / التعلم / جزء / وجود / ه / ه / أبداً» دقت کنید که «من»ها به ترتیب «من / من» هستند: «دانش‌آموز کسی است که اعتقاد دارد که یادگیری بخشی از وجودش است و هرگز از آن جدا نمی‌شود.»
- ۳ «فعل: يضحى / يبني / لا يتعب» / «اسم: المعلمين / من / نفس / ه / ه / بناء / المجتمع / رفيعاً / محكماً / هو / هذا / الطريق» دقت کنید که «من»ها به ترتیب «من / من» هستند. «از معلم‌ها کسی است که خودش را فدا می‌کند تا ساختمان جامعه را بلند و مستحکم بنا کند و او در این راه خسته نمی‌شود.»

بپه‌ها بیشتر کلمه‌ها تو زبون عربی اسم محسوب میشن! حالا به سری نشونه برای تشخیص اسم در جمله وپور داره که شامل ۹ دسته میشه و عبارتند از:

انواع اسم‌ها

- ۱ همه «ضمایر» ← هو - هما - هم - ك - كما - کم ...
- ۲ اسامی اشاره ← هذا - هذه - هؤلاء - أولئك ...
- ۳ کلمات پرسشی به جز «هل / أ» ← أين - متى - كيف - من - ما ...
- ۴ تمامی مصدرهای ثلاثی مجرد و مزید ← صبر - تقديم - مُجاهدة ...
- ۵ تمامی کلماتی که «ال / ة / تنوین» دارند ← المسلمة - تلميذاً ...
- ۶ قیدهای مکان و زمان ← عند - قبل - بعد - بين - أمام ...
- ۷ هر کلمه سه حرفی که وسط آن «ث» باشد ← علم - دس - جهل ...
- ۸ کلماتی که پس از حروف «ندا» قرار گیرند. ← يا علي - يا حسين ...
- ۹ کلماتی که پس از «حروف جز / حروف قسم» قرار گیرند ← في المدرسة - والله

۳. حروف

به تنهایی معنای کاملی ندارند، بین «اسم‌ها» و «فعل‌ها» ارتباط برقرار می‌کنند و برای تکمیل جمله استفاده می‌شوند. بپه‌ها دسته‌بندی حروف مختلف رو در رسای بعری بهتون آموزش می‌دیم ولی پون شما دوازدهم هستین، در سالای قبلی با این حروف آشنا شین پس اینها هم براتون میاریم که ریگه کامل یاد بگیرین!

انواع حروف

- ۱ حروف عطف ← و - ف - ثم ...
- ۲ حروف جز ← في - إلى - من - ل - ب - علی ...
- ۳ حروف ناصبه ← أن - لن - كي - حتي - ل
- ۴ حروف شرط و جازمه ← إن - لم - لا «نهی» - ل «جازمه»
- ۵ حروف مشبهة بالفعل ← إنَّ - أنَّ - كأنَّ - لکنَّ - لعلَّ - لیت
- ۶ حروف استفهام ← أ - هل - أين ...
- ۷ سایر حروف: إلاً - إئما - قد - س - سوف ...

اشتباهات متداول

«من» می‌تواند «من» باشد که معنی «از» می‌دهد و جزء «حروف جز» است، ولی «من» می‌تواند «اسم شرط»، «اسم موصول» یا «اسم استفهام» باشد که در آن صورت «اسم» محسوب می‌شود.



- عین العبارة التي عدد أسمائها أكثر من الباقي:

- ۱) حاولت تلميذاتي المجدّات في تعلّم دروسهنّ!
- ۲) شاهدتُ الطيور قد جلسّت جنب بركةٍ صغيرة!
- ۳) السلام علينا وعلى عباد الله الصّالحين!
- ۴) التّعّم السّماويّة تنزلُ من السّماوات إلى الأرض!

پاسخ ۱ «حاولت» به «تلميذات» برمی‌گردد و در نتیجه «حاولت» می‌باشد و «ث» انتهای آن نشانه مؤنث بوده و جزء فعل است و ضمیر نیست. «تعلّم» نیز مصدر و اسم است.
حاولتُ تلميذاتي المجدّات في تعلّم دروسهنّ ← «۶»
 فعل حرف

در سایر گزینه‌ها تعداد اسامی کمتر است:

۲ «ث» ضمیر و مربوط به متکلم وحده است ولی «ث» در «جلسّت» که به «الطيور: جمع غيرعاقل: مفرد مؤنث» برمی‌گردد، ضمیر نبوده و نشانه مؤنث بودن است:

شاهدتُ الطيور قد جلسّت جنب بركةٍ صغيرة ← «۵»
 فعل حرف فعل

السلام علينا وعلى عباد الله الصّالحين ← «۵»
 حرف حرف فعل

التّعّم السّماويّة هي تنزلُ من السّماوات إلى الأرض ← «۵»
 فعل حرف حرف

«من» معنی «از» می‌دهد و از حروف جرّ است.

گفتار ۲ شناخت جنس اسم

اشتباهات متداول

البته همیشه اینطور نیست که هر کلمه‌ای در انتهایش «اء» باشد، مؤنث باشد؛ زیرا ممکن است این «اء» جزء ریشه کلمه باشد و برای تشخیص این‌ها، هر گاه قبل از الف ممدوده «سه» حرف یا بیشتر بیاید، زائد است و کلمه «مؤنث» محسوب می‌شود، ولی اگر کمتر از آن باشد، جزء ریشه کلمه بوده و نشانه مؤنث بودن نیست.

• خضراء

قبل از آن سه حرف وجود دارد، پس نشانه مؤنث بودن است.

• شفاء

قبل از آن دو حرف وجود دارد، پس نشانه مؤنث بودن نیست.

اشتباهات متداول

• معمولاً جمع مکسری که انتهایش «اء / ی / ة» باشد، «مذکر» است.
 «شعراء مفرد / شاعر» / «أطباء مفرد / طبيب» / «قضاة مفرد / قاضي» / «مرضى مفرد / مريض»

اشتباهات متداول

• کلماتی مانند «اجراء / انحناء / اختفاء / استشفاء...» که به ترتیب باب‌های «أفعال / انفعال / افتعال / استفعال» هستند، مذکر محسوب می‌شوند، چون الف آن‌ها مربوط به وزن و باب آن‌ها است.

۳ الف مقصوره «ئ، ا»؛ مانند ← کبری / صغرى / دُنیا

۴ بیشتر اعضای زوج بدن؛ مانند ← يد / رجل / عین / اذن / قدم

نکته

البته در میان اعضای زوج بدن «حاجب: ابرو» / «خذّ: گونه» و «مرفق: آرنج» مؤنث نیستند و مذکر به‌شمار می‌آیند.

۵ اسم «شهرها / کشورها»؛ مانند ← ایران / طهران ...

۶ اسم‌های بدون قاعده مهم ← (الأرض: زمین) - (الشمس: خورشید) -

(النار: آتش) - (الدّار: خانه) - (النفس: جان) - (الحرب: جنگ) - (البئر: چاه) -

(فأس: تبر) - (ريح: باد) - (عصاً: چوب‌دستی) - (سنّ: دندان) - (سوق: بازار) و ...

۷ جمع غيرعاقل: «عصافير: گنجشک‌ها» - «رياح: بادها»

۸ بادها و جهت‌ها: صبا - شمال - جنوب ...

۹ اسم‌های مخصوص مؤنث: الأخت - البنت - النساء - الأم...

جنس اسم در عربی به «مذکر» و «مؤنث» دسته‌بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم آن‌ها را بشناسیم:

البته در کلمه، نوع مؤنث با هم‌رکب، از شمانمی پرسند، ولی دانستن آن باعث همیشه بهتر مفظه کنيد.

مذکر

اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند ← محمد، محمود، الثور (گاو نر).
 اسم مذکر بر دو نوع است:

۱. مذکر حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان نر دلالت می‌کند، و مخصوص جانداران است. مانند ← محمد، علي، حسن، الثور (گاو نر) و ...

۲. مذکر مجازی

اسمی است که بر جنس نر دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجاندار است، اما قواعد اسم مذکر در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← القلم، الباب، الكتاب، الدّفتر و ...

مؤنث

اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند ← خديجة، فاطمة، البقرة، الدّجاجة.

اسم مؤنث به اقسام زیر تقسیم می‌شود:

۱. مؤنث حقیقی

اسمی است که بر نام یا صفت انسان و یا حیوان ماده دلالت می‌کند؛ و مخصوص جانداران است. مانند ← المعلّمة، الأخت، الغزاة و ...

۲. مؤنث مجازی

اسمی است که بر جنس ماده دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مؤنث در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← الشمس، المنضدة، المدرسة، الشّجرة و ...

نشانه‌های مؤنث مجازی

حالا مؤنث‌های مجازی یک‌سری نشانه دارند که در اینجا کامل با هم بررسی می‌کنیم:

۱ تاء مربوطه «ة»؛ مانند ← المدرسة / الشّجرة

۲ الف ممدوده «اء»؛ مانند ← زهراء / صحراء / زرقاء ...

مبحث شانزدهم

۱۶

مُنَادِي

سلام بر همگی! باورتون همیشه دیروز شروع کردین و امروز به آخرین مبحث موضوع قواعد رسیدین! عمر داره میره و میشه تباها! روز اول بهت قول دادم سخت نیست، لاقل برای شما! دیدی که سخت نبود!

شناسایی و تشخیص منادا

گفتار ۱

منادا

اسمی است که پس از یکی از حروف ندا «یا / أيا / أی / ...» می‌آید و مورد خطاب واقع می‌شود.

مثال: **يا الله ...**

توضیح مثال: «الله» پس از حرف ندا «یا» آمده و مورد خطاب واقع شده؛ پس منادی است.

مثال: **أيها الرجل ...**

توضیح مثال: «الرجل» پس از حرف ندا «أی» آمده و مورد خطاب واقع شده؛ پس منادی است.

اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود، چرا که گاهی اوقات حرف ندا حذف می‌شود و در این شرایط باید از شواهد و قرائن جمله تشخیص دهید که آیا در این جمله منادی وجود دارد یا خیر.

چطوری منادی را در جملات بدون حرف ندا تشخیص دهیم؟

برای تشخیص منادا یک سری راهکارها و ترفندها بهتون یار می‌دم که خیلی راحت و هلو بتونین منادا را تشخیص برین.

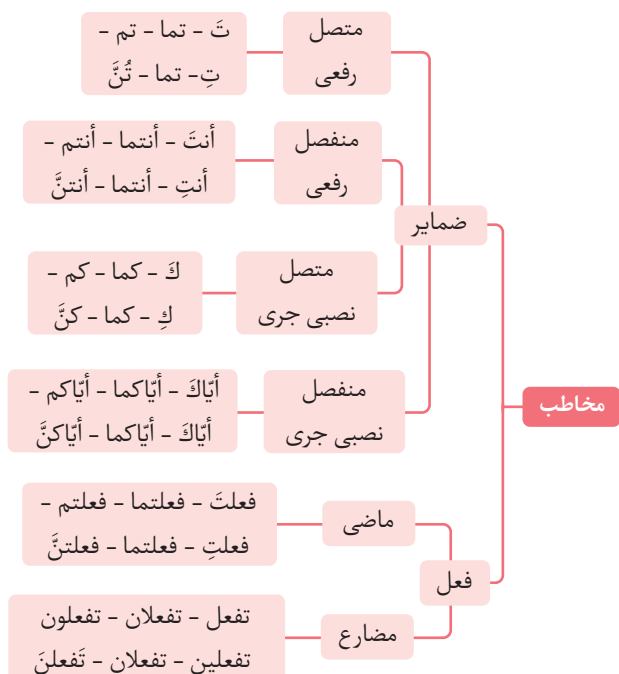
۱. جملات سؤالی

در جملات سؤالی بدان جهت که معمولاً شخصی یا چیزی را مورد خطاب قرار می‌دهند؛ معمولاً منادی وجود دارد.

و مهم‌ترین کلمات پرسشی عبارتند از «هل / أ / متی / این / لماذا ...»

۲. فعل و ضمایر مخاطب

اگر در جمله فعل صیغه‌های مخاطب یا ضمایر و نشانه‌های مخاطب داشتید؛ بدان جهت که شخصی یا چیزی را مورد خطاب قرار می‌دهند؛ معمولاً در جمله منادی وجود دارد.



اشتباهات متداول

• اگر فعلی بر وزن «تفاعل» دیدید می‌تواند «تَفَاعَلَ: ماضی للغائب تفاعل»، «تَفَاعَلْ: امر للمخاطب تفاعل» یا «تُفَاعَلْ: مضارع للغائبة / للمخاطب مفاعلة» باشد که در حالت‌های «تَفَاعَلْ: امر» یا «تُفَاعَلْ: مضارع للمخاطب مفاعلة» در جمله منادا داریم.

مؤمن تظاهر بديانتك!

«تظاهر» چون به «مؤمن» برمی‌گردد و در جمله ضمیر «ك» داریم همان «تَظَاهَرْ: امر للمخاطب تفاعل» است: «مؤمن به دیانتت تظاهر کن.»

اشتباهات متداول

• طراح اعراب عین‌الفعل فعل ماضی و امر باب «استفعال / افتعال / انفعال / إفعال / مفاعلة» را نمی‌دهد و اگر صیغه مفرد بود و یا انتهای آن‌ها «ا / وا / ن» دیدید؛ می‌توانند بین ماضی و امر مشترک باشند و باید از ساختار و شرایط جمله تشخیص دهید و در صورتی که «امر» باشد منادا داریم و در صورتی که «ماضی» باشد، خیر.

- أصدقاء اجتهدوا في دروسكم!

«اجتهدوا» بین ماضی و امر مشترک است، ولی از ضمیر «کم» می‌توان فهمید که «امر» بوده و در نتیجه «أصدقاء» منادا است.

اشتباهات متداول

أخي حافظ من أمواله و نفسه أمام الأعداء!	«حافظ» می‌تواند ماضی یا امر باب «مفاعلة» باشد ولی با توجه به ضمیرهای «ه» واضح است که منادا نداریم: «برادرم از ثروت‌هایش و جان‌هایش در برابر دشمنان محافظت می‌کند.»
أخي حافظ من صلاتك اليومية!	«حافظ» می‌تواند ماضی یا امر باب «مفاعلة» باشد ولی با توجه به ضمیر «ك» می‌توان فهمید که «امر» بوده و منادا داریم: «برادرم از نماز روزانه‌ات محافظت کن.»

التلميذان استمعوا إلى الدرس! معلمكما!	«استمعوا» بین ماضی و امر مشترک است، ولی چون نشانه‌ای بر مخاطب بودن جمله نداریم، می‌فهمیم که «ماضی» بوده و «التلميذان» مبتدا است.
التلميذان استمعوا إلى كلام معلمكما!	«استمعوا» بین ماضی و امر مشترک است، ولی از ضمیر «كما» می‌توان فهمید که «امر» بوده؛ در نتیجه «التلميذان» منادا است.

رسول الأكرم أحسن إلى الفقراء! مصنعك!	«أحسن» می‌تواند ماضی یا امر باب «إفعال» باشد ولی در اینجا ماضی بوده و «رسول» مبتداست: «پیامبر اکرم به فقیران نیکی کرد.»
أخي أحسن إلى الفقراء في مصنعك!	«أحسن» می‌تواند ماضی یا امر باب «إفعال» باشد ولی در اینجا از ضمیر «ك» می‌توان فهمید که «أخ» منادا است: «برادرم به فقیران در کارخانه‌ات نیکی کن.»

مثال كريم كأنك بحر في الجود!

توضیح مثال: ادات ندا حذف شده است ولی از ضمیر مخاطب «ك» می‌توان فهمید که «كريم» منادی است.

اشتباهات متداول

دقت کنید که فعل بر وزن «تفعل» می‌تواند برای صیغه‌های «لِالْغَائِبَةِ / لِلْمَخَاطَبِ» باشد؛ که باید از ساختار جمله و معنی تشخیص دهید؛ اگر مربوط به «لِلْمَخَاطَبِ» باشد، منادا داریم و اگر مربوط به «لِالْغَائِبَةِ» باشد، دو حالت پیش می‌آید که اگر پس از آن فاعل اسم ظاهر داشته باشیم منادا داریم و اگر نباشد، منادا نداریم.

الزياح تعصف من مكان إلى مكان آخر!	چون «تعصف» به «الزياح» برمی‌گردد، برای صیغه «لِالْغَائِبَةِ» است و منادی نداریم.
أبي تغفر خطائي!	چون «تغفر» به «أب» مربوط است، واضح است که صیغه «لِلْمَخَاطَبِ» است و «أب» منادی است.

۳. فعل‌های امر و نهی

اگر در جمله فعل‌های «امر» یا «نهی» داشته باشیم؛ به احتمال قوی در جمله منادا داریم، چون در اصل شخصی مورد خطاب واقع شده و به او امر یا نهی می‌شود.

مثال يا مؤمنة استغفري لذنبك!

توضیح مثال: «استغفري» فعل امر است و در اصل جمله حالت ندایی دارد و «مؤمنة» منادا است.

مثال يا تلميذ لا تجلس هناك!

توضیح مثال: از فعل نهی «لا تجلس» می‌فهمیم که جمله حالت ندایی دارد و «تلميذ» منادا است.

اشتباهات متداول

• اگر فعلی بر وزن «تفعل» دیدید می‌تواند «تَفَعَّلَ: ماضی للغائب تفعَّل»، «تَفَعَّلْ: امر للمخاطب تفعَّل» یا «تُفَعَّلْ: مضارع للغائبة / للمخاطب تفعيل» باشد که در حالت‌های «تَفَعَّلْ: امر» یا «تُفَعَّلْ: مضارع للمخاطب تفعيل» در جمله منادا داریم.

مؤمنة تفكر خلق الله!

چون «تفكر» به «مؤمنة: للغائبة» برمی‌گردد، می‌فهمیم که «تُفَكَّرُ: مضارع للغائبة تفعيل» است و در نتیجه منادا نداریم.

• هم‌چنان حواستان باشد که فعل بر وزن «تفعلان» می‌تواند، برای صیغه «لِالْغَائِبِينَ / لِلْمَخَاطَبِينَ / لِلْمَخَاطَبَتِينَ» باشد؛ که طبیعتاً اگر صیغه‌های «لِلْمَخَاطَبِينَ / لِلْمَخَاطَبَتِينَ» باشد منادی داریم و اگر صیغه «لِالْغَائِبِينَ» باشد؛ منادا نداریم.

طالبان تدرسان في البيت!	از روی «طالبان» واضح است که فعل «تدرسان» مربوط به صیغه «لِالْغَائِبَتِينَ» است و منادا نداریم: «دو دانش‌آموز در خانه درس می‌خوانند.»
أيها الطالبان! تجلسان معي!	از «أيها الطالبان» می‌فهمیم که «تجلسان» مربوط به صیغه «لِلْمَخَاطَبِينَ» بوده و منادا داریم.